

# دولت ظریف

طی حکمی از طرف رئیس جمهور، ظریف معاون راهبردی رئیس جمهور شد و پیش از این ظریف مدعی شده بود در دولت سمتی نخواهد داشت



ظریف در مرکز بررسی‌های استراتژیک؛ پیکار جو، ایده پرداز، هماهنگ کننده یا هیچ؟  
مرکز بررسی‌های استراتژیک یک «بی اهمیت به شدت مهم» است. نهاد عجیبی ست. برخلاف خاصیت «نهاد»، ثبات هویتی ندارد. از یک دوره به دوره بعد، طنین سیاسی این نهاد می‌تواند زمین تا آسمان تفاوت داشته باشد.

در صفحه ۲ بخوانید

## عصر

روزنامه اجتماعی اقتصاد  
شنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۳ • ۲۸ محرم ۱۴۴۶ • 3 August 2024  
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره سیصد و نود و شش  
www.asrghanoon.ir

### «شیخ فضل‌الله نوری و مشروطه سکولار»



در دوره مشروطه، پای ساختار تجدیدی به جامعه ایران باز می‌شود و در مقابل دوقطبی قبلی، قطب سوم شکل می‌گیرد که هنوز برای کنشگران بومی ما در آن دوره تاریخی، شناخته شده نیست.

۳

### «حماس، مرتبط است!»



تمام کسانی که در این جریان غزه، از خانه بیرون آمدند - در اروپا، در آمریکای مرکزی، در آسیا، در ترکیه، در مصر - اینها یک نوع ارتباطی با رهبری پیدا کردند و هوادار این جریان شدند.

۴

### «اربعین، اُمت‌سازی می‌کند»



وقتی عاشورا محور اجتماع قلوب بشود، زیارت اربعین هم یکی از ارکان شکل‌گیری امت می‌شود. یکی از ارکان ساختن امت، هجرت به سوی امام و شکل‌گیری یک جمع مهاجر است.

۴

### «حقیقت و مجاز حمله احتمالی به حزب‌الله»



شاخ و شانه کشیدن‌های نتانیاهو در حین سفر به آمریکا از این افلاس و دست‌های خالی خبر می‌دهد.

۴

### «توسعه (صادرات غیر نفتی)»



هرگونه نهادسازی جدید به ضرر کشور است و اصلاح امور بهترین تدبیر در بهبود کار است. اگر بنا باشد اصلاحی در ساختار صورت بگیرد، باید در جهت تقویت آن باشد.

۵

### «اعطای مجوز در سند باکس»



این سامانه خوب است اما زیرساخت‌های آن از پیش تعیین نشده است که در آینده مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد.

۵

دنبال کردن

حسام الدین آشنا Hosamo...

@hesamodin1



سلام علیکم

او وارد دولت نشده است بلکه دولت ساخته است.



## ظریف در مرکز بررسی های استراتژیک؛ پیکار جو، ایده پرداز، هماهنگ کننده یا هیچ؟



مرکز بررسی های استراتژیک یک «بی اهمیت به شدت مهم» است. نهاد عجیبی ست. برخلاف خاصیت «نهاد»، ثبات هویتی ندارد. از یک دوره به دوره بعد، طنین سیاسی این نهاد می تواند زمین تا آسمان تفاوت داشته باشد.

هاشمی رفسنجانی این مجموعه را بنیان نهاد؛ و در اقدامی که ظاهراً اصلاً به طبع او نمی آمد، آن را به اپوزوسیون خود به سر دستگی موسوی خویینی ها سپرد. او یک نهاد نزدیک به ریاست جمهوری را در حالی به مخالفانش می داد که همانها را در رسانه و عرصه عمومی، قلع و قمع کرده بود. هاشمی با این کار در واقع تلاش داشت چپ های آن زمان را کانالیزه و بی خطر کند. آنها راضی شده بودند که در ازای نزدیکی به رئیسی جمهور و انتقال غولندهای سیاسی خود با سر برگ ریاست جمهوری به رئیس جمهور، تخریب سیاسی او در عرصه عمومی را وا بپندند.

هاشمی در وهله اول موفق هم شد. منتها زمانه حیلتی در سر داشت. چپ ها در همین مرکز بررسی ها، در سکوت و عزلتی که داشت، هسته ای اولیه نیرویی که نهایتاً منتج به دوم خرداد می شد را سازماندهی کردند. این مکان، محل تجمع، رفت و آمد، هماهنگی و هم نظری نیروهای چپ شد.

و همین هم باعث شده تا اساساً اصلاح طلبان نسبت به اصولگرایان احساس تعلق بیشتری به مرکز بررسی های استراتژیک داشته باشند. در دولت های آنها، به حیث موقعیت یا فردی که عهده دار این نهاد می شود، جایگاه این نهاد را ارتقا می دهند.

در دولت روحانی، مرکز بررسی ها عملاً شاخه ای پیکارجوی دولت در عرصه عمومی بود. همپای وزارت امور خارجه، پر طنین ترین نهاد دولت در سیاست بود.

در دولت سیزدهم مرکز بررسی ها یا نتوانست یا فرصت

نکرد که هویتی شکل بدهد. جایگاه این نهاد تا حدودی تحت الشعاع ستاد تحول دولت نیز بود. اساساً دولت سیزدهم نتوانست رسته مشاوره ای مطلوبی (اعم از هماهنگ کننده، مبارز، مدافع، مدیریت کننده و...) برای خود دست و پا کند.

حالا ظریف متصدی این نهاد شده است. ظریف در بین نیروهای پشتیبان پزشکیان آنقدر وجیه نیست که هماهنگ کننده باشد. کلام او ایجاد نفرت خواهد کرد، تجربه نشان داده در گزینش کلمات سیاست داخلی اش به شکل رادیکال به سمت متفی، و در سیاست خارجی به شکل رادیکال به سمت مثبت گرایش دارد. در طرح و برنامه نیز لاقول خودش توانا نیست مگر آنکه با معاونینی تقویت شود.

اما اینها به این معنی نیست که مرکز بررسی ها یا پست جدید ظریف بی اهمیت است. فقط قرار گرفتن در مکان «پاستور» اهمیت ویژه دارد؛ گذشته از اینکه وزن دهی به موجودیت های درون نهاد ریاست جمهوری نسبت به هر وزارتخانه، مقوله ای تحت اختیار رئیس جمهور است. شاید در کنار معاون اول و رئیس دفتر با قطب سوم قدرت در پاستور مواجه بشویم.

در کل این انتصاب برای پزشکیان انتخاب خوبی نبود ولی برای مخالفان پزشکیان خیلی خوب بود.

## حلقه اول پدافند کجاست؟ آفند!

محمدایمانی

قوی ترین سامانه های امنیتی، راداری و پدافندی در دنیا، نوجا آسیب پذیر هستند و احتمال رخنه در آنها همواره وجود دارد. دم دستی ترین و ساده ترینش (تازه بدون دخالت خارجی)، همین شلیک دو هفته قبل به ترامپ که از بیخ گوش او گذشت.

پدافند چند لایه آمریکا و اسرائیل (و ناتو) در همین چند سال گذشته به ویژه ماه های اخیر نتوانسته اند از عهده حملات ایران به پایگاه های عین الاسد و نواتیم و سلسله حملات موشکی و پهپادی مقاومت یمن و لبنان و عراق و فلسطین برآیند.

این در حالی است که اسکات ریترا فسر سابق پنتاگون، درباره حمله عملیات پنج ماه قبل ایران به عمق رژیم صهیونیستی گفت: "موشک های ایران، دو پایگاه نواتیم و رامون را هدف قرار دادند. بهترین رادار جاسوسی دنیا که با پیشرفته ترین پدافند ضد موشکی کار می کند، در مقابل حمله ناتوان بود. پایگاه نواتیم، حفاظت شده ترین نقطه زمین در برابر حملات موشکی و حتی محافظت شده تر از کاخ سفید و کاخ کرملین است. ایران، آنجا را درهم کوبید و به همه از جمله آمریکایی ها ثابت کرد که هیچ دفاعی در برابر موشک های ایرانی وجود ندارد. این، یکی از برترین نمایش های نظامی تاریخ بود".

مهم ترین کار در بازدارندگی، یافتن و بستن آسیب های پدافندی و رخنه های امنیتی نیست، که در جای خود، بسیار هم ضروری است؛ بلکه آفند است؛ زدن زدن ضربات دردناک و پر هزینه به دشمنان؛ به گونه ای که هر گاه ذهن شان به سمت طراحی ضربه امنیتی و تروریستی رفت، پیشاپیش، آن خاطرات درباره توانمندی و اراده خلل ناپذیر شما برای زدن ضربات دردناک، جلوی چشم شان بیاید و از همان اتاق های طراحی و عملیات، پشیمان شان کند.

... این بار باید مجازاتی متفاوت و بی سابقه برای اسرائیل و پشتیبان آمریکایی اش در نظر گرفت. مجازاتی که به ویژه صهیونیست ها را تا ماه ها عزادار کند.

## کلاس درس مردمسالاری در جلسه تنفیذ

علی مهدیان



مجاهدت کردند، تلاش کردند، شهادت دادند، مبارزات فراوانی انجام گرفت، لکن به دلیل اینکه یک رهبری قدرتمند و متنفذ و مردمی بر سر کار نبود، تقریباً از همان اولین روزها کشور دچار آشفتگی شد، بیگانه ها دخالت کردند، خودسرها داخلی وارد میدان شدند، حدود پانزده سال کشور در حال آشفتگی بود، بعد هم دیکتاتوری خشن رضاشاهی بر سر کار آمد؛ یعنی بین امضای حکم مشروطیت و روی کار آمدن یک دیکتاتور خشن بی رحم وابسته ای مثل رضاخان، حدود پانزده سال بیشتر فاصله نشد؛ و همی زحمات ملت با روی کار آمدن رضای پهلوی بر باد رفت."

مردمسالاری نتیجه قیام است اما قیامی که در چارچوب و ساختار امامت و ولایت محقق میشود. هندسه قیام را همین نسبت مردم و رهبری و تشکیلات متصل کننده این دو میسازد، پیروزی انقلاب هم رسمیت بخشی به همین ساختار است. این همان ساختاری است که قیام را و مردمسالاری را حفظ می کند. این سخن شیعه که قرائت ناب از اسلام است یک سخن معقول و قابل الگوبرداری است. به تعبیر حضرت امام (ره) در کتاب حکومت اسلامی اش نیاز به استدلال های فقهی آنچنانی هم ندارد کافی است درست تصور شود. این نقش دین و معنویت است در حفظ مردمسالاری. به تعبیر رهبر حکیم ما دین و مردمسالاری دو روی یک سکه اند. و هر دو یکدیگر را تقویت و حفظ می کنند.

نقش رهبری چه در اجرای قانون، چه در کمک به پر کردن خلاها، چه در ایجاد انگیزه و کیفیت حضور مردم که به یک معنا مهمتر از گستره حضور هم هست چرا که عمق

اصول و نکات مهمی درباره مساله مردمسالاری در جلسه تنفیذ مطرح شد که باید درباره اش اندیشید؛ اما در این میان یک مساله مبنایی مهم توسط رهبر حکیم مطرح شد که باید بیشتر درباره آن تعمق نمود. این که چه شد قیام های متعدد مردم ایران از دوران مشروطه تا قبل از قیام حضرت امام و تلاش ها و مجاهدت های خالصانه مردم باعث پدید آمدن مردمسالاری نشد؟ چه نکته ای تغییر کرد که بعد از حدود هفتاد هشتاد سال از قیام مشروطه و سپس قیام ملی شدن نفت و غیره و غیره، تازه ایران در انقلاب اسلامی موفق به تحقق مردمسالاری شد؟

چطور شد که بعد از پیروزی انقلاب در طول این چهل و چند سال، با وجود اختلافات داخلی و دشمنی های خارجی، باز هم مردمسالاری در نهایت "متان و عقلائیتم" خود را در کشور ظهور داد؟ پاسخ به این پرسش از آن جهت مهم است که به تعبیر حضرت امام (ره)، راه صدور انقلاب اساساً صدور مردمسالاری است. رهبری نیز مدتها است از جوانان ما خواسته اند که این سخن نو و نرم افزار مهم تمدنی را به دنیای امروز بشناسانند.

چه شد که در مشروطه قیام برای برقراری عدالت و عدالتخانه و نفی حکومت استبدادی و تلاش مردم برای حاکمیتشان بر سرنوشتشان، سر از دیکتاتوری درآورد آنهم نه یک سلطنت بومی بلکه کاملاً دست نشانده و غربی یعنی بدترین نوع دیکتاتوری؟ مگر قیام مردم کار را تمام نمیکند؟ پاسخ رهبری به این سوال مهم است. قیام و مجاهدت مردم باید صورتی هم داشته باشد، بدون این صورت قیام منحرف می شود. صورت قیام چیست؟ ساختار ولایت و امامت، باید رهبری توانمند و الهی باشد که مردم با او رابطه ولایی برقرار کنند و سخن او در جامعه نفوذ داشته باشد و اطاعت شود. اینگونه مردمسالاری محقق میشود.

به این جمله رهبری توجه کنید: "در مشروطیت، مردم



## پاسخ ایران به ترور شهید اسماعیل هنیه اتفاقات بزرگی را رقم میزند!

عبدالرحیم انصاری

تشییع با شکوه پیکر شهید هنیه را دیدم با خودم گفتم این اگر بزرگترین تشییع یک مجاهد سنی در تاریخ نباشد، قطعاً یکی از معدود بدرقه هایی است که برای یکی از علما یا مجاهدین اهل سنت برگزار شده است. و صد البته که اسماعیل هنیه، هم عالم دین بود و هم مجاهدی خستگی ناپذیر، اما این عظمت را نه مردم سنی که یک ملت شیعه برایش خلق، و ثبت در تاریخ نمودند تا ایرانیها یک بار دیگر به عالم بفهمانند در مرام شیعه جز حق و عدالت نیست و هر آنکه مجاهد فی سبیل الله باشد نزد آنها عزیز و محترم است.

این تشییع با شکوه بی تردید قلوب مسلمانان شیعه و سنی را به هم نزدیکتر می کند و جمهوری اسلامی را نزد ملت های منطقه عزیزتر؛ اما این پایان کار نیست؛ حالا میلیاردها مسلمان اعم از شیعه و سنی چشمانشان به آن خونخواهی است که رهبر جمهوری اسلامی وعده اش را داده است. آن پاسخ هرچه بزرگتر، حساب شده تر و چشمگیرتر باشد، علاوه بر تغییری که در صحنه جنگ ایجاد می کند، به همان اندازه بر معادلات روحی، عاطفی و ذهنی ملت های منطقه نیز اثر خواهد گذاشت؛ و در یک کلام شهید هنیه با شهادتش وحدت مسلمین حول محور مقاومت را عمق معناداری بخشید، و نوع واکنش ایران و تبلیغاتی که خواهد داشت می تواند بر کیفیت آن بیفزاید. تأثیری که هرچه عمیق تر صورت بگیرد دست ایران را در معادلات آتی منطقه در برابر حکام عرب بازتر خواهد گذاشت.

از سویی همزمانی شهادت اسماعیل هنیه با شهادت فؤاد شکر فرمانده برجسته حزب الله که او نیز شهید قدس لقب گرفت وحدت شیعه و سنی علیه دشمن مشترک را استحکام بیشتری بخشید و یقین بدانید هیچ اتفاقی و هیچ هماهنگی و همگونی جز با خواست خداوند شکل نمی گیرد. عده ای تدابیر و ملاحظات امنیتی در ترورهای دیروز را ناکافی دانستند؛ عده ای نیز جاسوسی و نفوذ، و عده ای هم سهل انگاری در استفاده از تلفن همراه را عامل این مصیبت ها معرفی کردند؛ اما من می خواهم این طور به قضیه نگاه کنم و بگویم که اگر هلیکوپتری سقوط نمی کرد، اگر انتخابات زودهنگامی برگزار نمی شد، اگر تحلیفی نمی بود، شاید هنیه هم در چنین زمان و مکانی به شهادت نمی رسید؛ اما شد چون تقدیر بود.

این حرف، یعنی سپردن همه چیز به تقدیر البته مخالفانی همیشگی دارد، اما توجه شما را به توییت خبرنگار لبنانی جلب می کنم که یک سال و نیم پیش، از فرمانده شهید فؤاد شکر درباره شهادتش می پرسد و او با خنده پاسخ می دهد من هم مثل مولایم علی (ع) در ۶۳ سالگی شهید می شوم، و آنگاه که پهلاد اسرائیلی با حمله به ضاحیه جنوبی بیروت او را به شهادت رساند درست ۶۳ ساله بود؛ اصلاً این هم به کنار! بروید خاطرات همراهان حاج قاسم در روزی که شبش قرار بود به لقاء الله ببینند را بخوانید و در حالات او اندیشه کنید. آن جملاتی که روی آینه محل اقامتش در سوریه نوشت تا آن حرف هایی که به دختر برادرش حاج عماد گفت و دل او فرو ریخت و دلهره رهایش نکرد تا آن زمان که خبر شهادت حاجی را به او دادند. می خواهم بگویم همه این اتفاقات شاید حکمتی دارند که گاهی چشمی بسته و کاری سهل انگارانه می شود؛ این اتفاقات و در نتیجه این خون های پاک جریان های مقاومت را به سمت و سویی خاص هدایت می کنند.

آن روز که حاج قاسم شهید شد اسرائیل به این اندازه ذلیل نبود و ما گفتیم شهید سلیمانی برای دشمن بسیار خطرناک تر از سردار سلیمانی است؛ درست گفته بودیم؛ حالا نیز شهادت مردانی چون رئیسی بزرگ، امیرعبداللهیان مجاهد و هنیه عزیز هر کدام راهی جدید را باز می کنند که قطعاً و یقیناً فراتر از تصور ما است. باز هم می گویم: نه به جریان های سیاسی داخلی بتازید و نه نیروهای امنیتی را زیر سوال ببرید. نه تنها این کارها را نکنید که حتی جلوی چنین تحولاتی هم بایستید که اگر خدا بخواهد، وحدت این بار اتفاقات بزرگی رقم خواهد زد. ان شاء الله.

مردمسالاری را به تماشا میکشند، چه در حفظ جامعه که در دست سودگران و پول پرستان قدرت طلب نیفتد مثل همه جوامع غربی و نفاق گسترده شان در پنهان کردن حاکمیت دنیا طلبان، اینها همگی نشان دهنده آن است که چطور ولایت تقویت کننده مردمسالاری است همانطور که مردمسالاری نیز تقویت کننده ولایت است.

این همان سخن معقولی است که می توان برای کل بشریت توضیح داد و یک سیاست معنوی و الهی را به همه دنیا معرفی نمود. بالاتر از آنکه چه نتیجه ای در انتخابات رقم خورد، فهم این نکته که این نظام چقدر قدرتمندتر از گذشته شد و همه نهمتهایی که به نام "استبداد دینی" و "نقلاب" و "فهر با صندوق" و چه و چه زده میشد را چطور رسوا و ریشه کن کرد و عملاً شمایل یک مردمسالاری متین و پر از عقلائیتم و پر از انگیزه ایمانی را ظهور داد کمک می کند متوجه باشیم چه موفقیت بزرگی حاصل شده و چگونه باید قدر دان آن بود. امید آنکه همگی ما با کمک صادقانه به منتخب مردم و درمان دوقطبی ها و جلوگیری از اختلافات بتوانیم به تقویت بیشتر این ساختار نورانی و ارزشمند کمک کنیم.



## شیخ فضل الله نوری و مشروطه سکولار (به روایت آیت الله بهجت)

مهدی جمشیدی

۱. شیخ فضل الله نوری و سید محمد کاظم یزدی، تمام آنچه را که در جریان مشروطه واقع شد، «پیش گویی» کرده بودند؛ زیرا می دانستند اگر جریان مشروطه از طرف «سفارت انگلیس» تأیید شود، این مشروطه، «مشروع» نخواهد بود (در محضر بهجت، ج ۲، ص ۴۰).

۲. سید محمد کاظم یزدی و شیخ فضل الله نوری، «دوربین» و «آینده نگر» بودند و می گفتند مشروطه، کلمه حق پراذ بها باطل؛ سخن حقی است، ولی باطل از آن اراده شده است. ولی دیگران، «آخر مطلب» را از «اول کار» نمی دیدند. بساط زر و زور مشروطه، فقط برای این بود که ایران از «حلقوم روسیه» به «حلقوم انگلیس» سرازیر شود، که شد، به همان ملاک هم «آمریکا» از دست «انگلیس» گرفت (در محضر بهجت، ج ۳، ص ۳۷).

۳. شیخ فضل الله نوری در اول با مشروطه موافق بود، ولی بعد دید مشروطه از «سفارت خانه انگلیس» تأیید می شود؛ لذا از همان لحظه برگشت و مخالف شد و گفت مشروطه باید «مشروع» باشد (در محضر بهجت، ج ۲، ص ۱۹۶).

۴. شیخ فضل الله نوری می فرمود مشروطه، «مقدمه کشف حجاب» است و کشف حجاب از «لوازم مشروطیت» است. همچنین مشروطه، «مقدمه مبارزه با روحانیون» است. ولی طرفداران مشروطه می گفتند آیا می شود مجلس شورا و مشروطه را که خود آخوندها تأسیس کرده اند، آخوندها را از بین ببرند؟! ولی چنان شد که شیخ فضل الله نوری می فرمود؛ یعنی بعد از مدتی دستور دادند که نمایندگان مجلس، حتی بهیبهانی باید عامه ها را از سر بردارند (در محضر بهجت، ج ۲، ص ۲۶۱).

۵. شیخ فضل الله نوری که از مخالفین مشروطه بود، از پیش خبر می داد که «کشف حجاب» از «لوازم مشروطه» است. آن مرحوم می دید که مقررات مشروطه، «به ظاهر اسلامی» است، ولی از مصادر «لابالی» و بلکه «بی دین» (سفارت انگلیس) سرچشمه می گیرد و تأیید می شود. لذا به مشروطه خواهان گفته بود مرا می کشند و شما را هم می کشند. در نهایت نیز چنین شد، سید عبدالله بهیبهانی را که طرفدار مشروطه بود، بدتر از شیخ فضل الله نوری از بین بردند و تیرباران کردند (در محضر بهجت، ج ۲، ص ۱۸۹).

۶. وقتی شیخ فضل الله نوری فهمید که تأیید مشروطه، صحیح نیست - چون دید از طرف «سفارت انگلیس»، تأیید و پشتیبانی می شود و «کسان دیگری غیر از علما و متدینین» و به تعبیر ایشان «پاچه ورمالیده ها»، از مشروطه حمایت می کنند - از مشروطه خواهان دست کشید و فرمود مشروطه، باید مشروع باشد. مشروطه خواهان با «شایعه پراکنی» وانمود کردند که ایشان موافق مشروطه است، ولی استبدادی ها با «شوه» او را خریدند. چگونه ممکن و متصور است که انسان به خاطر «شوه»، حاضر شود به دار آویخته شود؟! سرانجام، شیخ فضل الله نوری را با آن عظمتش در علم و عمل، به دار آویختند و کشتند؛ زیرا می ترسیدند قیام مشروطه خواهی را به عقب بیندازد و یا حداقل در دیگران، شک و تردید ایجاد کند. آری، آنها «نورکهای مطیع» می خواستند، نه آقا بلاسر و مطاع (در محضر بهجت، ج ۲، ص ۳۷۲).

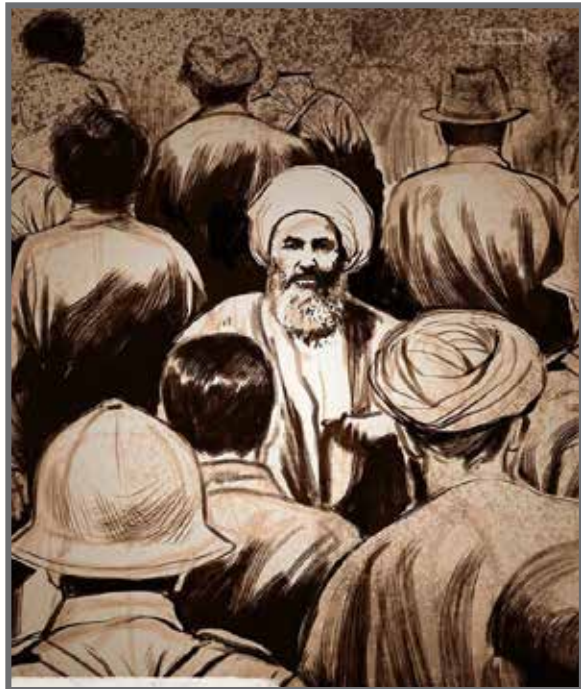
۷. این همه «بلاها» که بر سر ما می آید، با دست «خودمان» به وجود آمده است و علت و سببش، خود ما هستیم. این همه بلاها

۱۰. از آقای اشعری که - عالم راستگویی است - نقل شده که می گفت: دابی من که سید، و از شاگردان شیخ فضل الله نوری بود، در شی که جنازه ایشان را به قم آورده بودند تا فردا در حجره دفن کنند، در همان حجره، صدای قرآن از جنازه آن مرحوم شنیده بود. آقای دیگری نقل کرده است: لب ایوان مقبره، در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام - نشسته بودم، شنیدم از مقبره شیخ فضل الله نوری، صدای قرآن می آید. به طرف مقبره رفتم، دیدم کسی نیست، باز گشتم تکرار شد، خلاصه یقین کردم که صدای قرآن از خود صاحب قبر است (در محضر بهجت، ج ۱، ص ۲۳۷).

۱۱. خیلی مشکل است که انسان «از اول»، آینده حوادث را ببیند؛ زیرا «باطل محض» را به صورت «حق محض» به انسان نشان می دهند. سید محمد کاظم یزدی، از اول درباره مشروطه می فرمود: به اجدادم قسم، «دروغ» می گویند؛ کلمه حق پراذ بها باطل؛ سخن حقی است که مقصودشان از آن، باطل است. خدا می داند یک «فریب خوردن» چه عواقبی در پی دارد (در محضر بهجت، ج ۲، ص ۹۷).

### تکلمه تحلیلی:

آیت الله بهجت، طلبه نجف بودند و با بزرگان آن حوزه، ارتباط داشتند و بدین سبب، با یک واسطه معتبر - که همان اساتیدشان باشند - متن مشروطه را روایت می کنند. پس طبیعی است که آیت الله بهجت به سبب نزدیکی و تعامل مستقیم و غیر مستقیم، لطایف فراوانی از جزئیات مشروطه بدانند که در کتابها نیست.



تطورات مشروطه این گونه بود:

- الف. تولد مسأله: ظلم عمال دولت قاجار به مردم
- ب. پاسخ اولیه: تشکیل مجلس عدالت خانه
- ج. پاسخ ثانویه: تشکیل مجلس مشروطه
- د. اصلاح پاسخ ثانویه: مشروطه مشروعه
- هـ. مواجهه حذفی نیروی روشنفکری با قید مشروعه و غلبه مشروطه سکولار
- ز. شکل گیری دولت سکولار رضاخانی.

در دوره مشروطه، پای ساختار تجدیدی به جامعه ایران باز می شود و در مقابل دوقطبی قبلی، قطب سومی شکل می گیرد که هنوز برای کنشگران بومی ما در آن دوره تاریخی، شناخته شده نیست. برخی قائل به همسانی این ساختار با شریعت هستند، از قبیل آخوند خراسانی و نائینی و در پی مصالحه و اجتماع هستند. اما در مقابل، شیخ فضل الله، جوهر تجدید را می فهمد و بر نمی آید اما با توجه به اضطرار تاریخی، به طرح حداقلی مشروطه مشروعه بسنده می کند. در این طرح، مشروطه از عالم تجدید جدا می شود، اما در عین حال، نهایت غایبات ساختاری ما نیست. چرا علما در نقطه آغاز، در پی مجلس عدالت خانه بودند نه مجلس تقنینی؟! مگر قضاوت بدون قانون، میسر است؟! در ذهن آنها، قانون هم قانون شرع است و از این جهت، حاجت به تشریح نیست. شاید جامعه نیز هنوز آنچنان پیچیده نشده بود که نیازمند تقنین در صغریات باشد. این جابجایی ساختاری را نباید از نظر دور داشت؛ یعنی فرزند طبیعی جامعه ما مجلس عدالت خانه بود نه مجلس تقنینی. برخی اعتنایی به این تحمیل ساختاری نکرده و بر اساس نظریه انتخاب عاقلانه، آن را توضیح داده اند. مطهری می گوید مطالعه تاریخ نشان می دهد که روحانیت شیعه، کنشگری اصلاحی بیشتری داشته و روحانیت سنی، نظریه پردازی بیشتری. فقر فکر بدیل، ما را در گرداب انداخت.

اگر مجلس عدالت خانه تشکیل می شد و علمای تهران مسلط می شدند، چه بسا به تدریج، قدرت به دست می آوردند و علما، حکومت دینی تشکیل می دادند، نه اینکه در اثر استقرار پهلوی، وضع از زمان قاجار هم بدتر بشود. عدالتخانه، فرزند روند تاریخی بومی ما بود، نه مشروطه. از متن کلیت تاریخی ما، عدالتخانه و حکومت دینی برمی آید نه مشروطه.



## حماس، مرتبط است!

آیت الله حائری شیرازی

ببینید! مادر موسی (ع)، ایشان را در صندوقی گذاشت و به آب داد. بالاخره مادر است؛ به مجرد اینکه آب، یک مقدار این صندوق را برد، دلش خالی شد! قرآن می گوید: «وَصَبَّحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَارِغًا» دل مادر موسی (ع) خالی شد. «إِنْ كَادَتْ لَتُبْدَى بِهٖ» چیزی نمانده بود که بگوید صندوق را بگیرد، بچه من درونش هست. همه عملیات لو می رفت و ضایع می شد. بعد قرآن می گوید: «لَوْ لَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَلْبِهَا لَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». ببینید! اول ربط، بعدش ایمان.

می گوید قلب او را مربوط کردیم (ربطنا) تا از مؤمنین باشد. ربط به ولایت، اساس ایمان است. اگر ربط، قطع بشود، ایمان از بین می رود. هرچه هست در این «ربط» است. این ربط است که به انسان قدرت ایستادگی و ایثار می دهد. این ربط است که به انسان قدرت ایستادگی از یک میلیارد مسلمان، ۴۲ سال قبل با اسرائیل جنگیدند و کم آوردند و عقب نشستند. تکه هایی از کشورشان را از دست دادند. چرا؟ چون «ربط» نبود؛ «ولایت» نبود.

اینکه حزب الله می گوید ما افتخار می کنیم که جزء حزب ولایت فقیه هستیم یعنی «ربط». این ارتباط با رهبری است. اگر این ارتباط باشد، انسان، نوع آوری، شکوفایی، قدرت تربیتی و همه چیز دارد. ولی اگر این ربط قطع بشود، همه آنها از بین می رود.

من از نظر خلقتی، از همه برادر و خواهرهایم کم حوصله تر بودم. در دوره دبیرستان هم گاهی که مسئله ای خلاف طبعم اتفاق می افتاد، اصلاً از خانه می گذاشتم و می رفتم بیرون! اما وقتی حکم امامت جمعه را از امام دریافت کردم، خدا به من حوصله داد؛ صبر داد. تا جایی که آیت الله گیلانی یک وقتی که در مجلس خبرگان گزارش هایی از شیراز شنیده بود، به شوخی به من گفت: «سبحانک ما اعظم حلمک!» تعارف آخوندی کرد. خوب، این حلم من نبود. این نتیجه «ربط» بود. آنها هم که در جبهه، در مقابل بمبارانها، موشک بارانها، توپها، خمپاره ها استقامت می کردند و دست و پا می دادند، هرچه داشتند از برکت این ربط بود.

این ربط است که حزب الله را بر اسرائیل پیروز کرد. حماس هم مرتبط است و این ربطش هست که تحول ایجاد می کند.

تمام کسانی که در این جریان غزه، از خانه بیرون آمدند - در اروپا، در آمریکای مرکزی، در آسیا، در ترکیه، در مصر - اینها یک نوع ارتباطی با رهبری پیدا کردند و هوادار این جریان شدند. رهبری هم هرچه دارد از برکت ارتباطش [با امام زمان (ع)] است.

## تبیین عاشورایی تبعیت از ولایت فقیه نیاز ضروری ما می باشد

میراحمد رضا حاجتی



تاکید می نمودند: کل یوم عاشورا در زمان ما یعنی همین بیعت و بیعت با ولایت فقیه با بیعت با امام حسین علیه السلام فرقی نمی کند!! ولی فقیه در این عصر مثل حضرت مسلم است نسبت به سیدالشهدا علیه السلام.

بی تردید جبهه انقلاب امروز به درکی عمیق از ولایت فقیه از این سنخ نیازمند است تا در ادامه تحولات و فراز و نشیب های آخرالزمانی پیش رو دچار لغزش و خطا و افراط و تفریط و اجتهاد در مقابل نص نگردد. جبهه انقلاب مستمرا در این زمینه باید با ارتقاء بصیرت خود را «مصون سازی» نماید و به تعبیر استاد فرزانه حضرت آیت الله مصباح (ره)، باور نماید که: «اطاعت از ولی فقیه اطاعت از امام زمان (عج) است و این را خوب بفهمیم و خوب برای دیگران تبیین نماییم». قل لله سبیلی اذعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی و سبحان الله و ما انا من المشرکین (سوره یوسف/ ۱۰۸).

دکترین ولایت فقیه و جبهه مقاومت مبتنی بر آن، هژمون نظام سلطه را در غرب آسیا را به چالش کشیده و مناسبات سیاسی منطقه را بشدت دگرگون نموده و می رود تا زمینه تحقق وعده الهی ظهور منجی موعود و تحول جهان را هم فراهم آورد، در عین حال یکی از لغزشگاه های موجود در زمانه ما که نیروهای انقلابی را بشدت تهدید می نماید غفلت از درک و اعتقاد عمیق به ولایت فقیه است، مسئله خطرناکی که ما را در تیر رس کید و مکر بلکه در دام او قرار می دهد.

یکی از اصلی ترین دلایلی که شخصیت ممتاز حضرت آیت الله مصباح (ره) از سوی نفوذی ها و جریان های منحرف فکری و نحله های فاسد سیاسی، با همراهی و پشتیبانی رهنمایان اقتصادی، مورد تهاجم بی رحمانه قرار گرفت؛ جدیت ایشان در ترویج بدون ممانعت، تفسیر صحیح از اسلام ناب و اصل مترقی ولایت فقیه بود، درکی که مطابق با مبانی امام خمینی قدس سره و به غایت ممتاز و رهگشا می باشد.

ایشان با تبیین عاشورایی بیعت با ولی امر، با بیان اینکه: موقعیت و دورانی که ما از حیث شرایط سیاسی اجتماعی موجود داریم از هر لحاظ دوران بسیار ممتازی است و بیعت با ولایت فقیه در این عصر بیعت با سفیر امام حسین علیه السلام می باشد!



## اربعین، اُمت سازی می کند

سید محمد مهدی میرباقری

آن ماجرای که به ظهور ختم می شود عاشورا است. امتی که در عصر ظهور شکل می گیرد، حول این محور شکل می گیرد؛ چون عاشورا هزینه ساخت امت است و قلوب را متمایل به اهل بیت (ع) می کند. «إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا». این شعله های محبت امام حسین (ع) است که محبت ها را می سازد. وقتی عاشورا محور اجتماع قلوب بشود، زیارت اربعین هم یکی از ارکان شکل گیری امت می شود. همان طور که کعبه و حج و بیت، امت سازی می کند، زیارت امام حسین (ع) هم امت می سازد. یکی از ارکان ساختن امت، هجرت به سوی امام و شکل گیری یک جمع مهاجر است.





## جنون میدانی!

محسن صیادقنبری

از زمان وقوع عملیات طوفان الاقصی و شروع جنگ غزه تاکنون، حزب الله لبنان هم به یاری مردم مظلوم غزه شتافت و طی این ۹ ماه حملاتی را بصورت محدود به مواضع نظامی در شمال فلسطین اشغالی داشته و دارد. اما اخیراً خبرها حاکی از آن است که رژیم صهیونیستی بدنال روبارویی گسترده تر (جنگ تمام عیار) با حزب الله است که حتی آمریکایی ها و اروپایی ها را نیز نگران کرده است چراکه آنها به آمادگی نظامی و رزم حزب الله واقفند و بارها اسرائیل را از جنگ با آن برحذر داشته اند. ضمن اینکه اسرائیلی ها از ۷ اکتبر سال گذشته هنوز موفق به نابودی حماس نشده اند و این امر بر بازدارندگی حزب الله که به مراتب قویتر و مجهزتر از حماس می باشد افزوده است.

حزب الله بر خلاف حماس که در محاصره دریایی و زمینی صهیونیست ها قرار دارد از لحاظ سرزمینی دست برتری دارد و ظرفیت مرزهای زمینی و دریایی لبنان می تواند در گسیل نمودن نیروها و ادوات از کشورهای دیگر برای این حزب راهگشا باشد. حزب الله لبنان بعد از جنگ ۳۳ روزه که در سال ۲۰۰۶ اتفاق افتاد از لحاظ نظامی به توانمندی های قابل توجهی دست یافته است.

حزب الله نسبت به حماس دارای موشک هایی با برد بیشتر و دارای رزمندگان و کماندوهای ورزیده که اعلام شده بود دارای ۱۰۰ هزار رزمنده جان بر کف و شهادت طلب می باشند که این آمار البته مربوط به سال ۲۰۲۱ می باشد. این را هم باید اضافه نمود که ورود اسرائیل به جنگ با حزب الله به معنی ورود جنگ با ایران است. این مساله ای است که بسیاری از تحلیلگران نظامی هم بر آن تاکید کرده اند. در صورت وقوع جنگ بین حزب الله و رژیم صهیونیستی، این درگیری فقط محدود به زمینی و یا هوایی نخواهد بود بلکه از لحاظ دریایی نیز رژیم صهیونیستی دچار چالش های فراوان خواهد شد چراکه حزب الله دارای موشک های قدرتمند ضدکشتی است که حتی دارای برد ۳۰۰ کیلومتری هم می باشند و به حزب الله این امکان را می دهند تا تهدیدش علیه ناوهای جنگی رژیم صهیونیستی و حتی آمریکایی و انگلیسی را عملی نماید.

علاوه بر آن حزب الله دارای انواع موشک های زمین به زمین، موشک های ضد تانک، موشک های ضد هوایی و هواپیماهای بدون سرنشین (پهپاد) نیز می باشد که در درگیری های امروزی نیز حزب الله بارها پهپادهای انفجاری را به سمت فلسطین اشغالی پرتاب کرده است. نتانیاهو دچار یک جنون و دیوانگی میدانی شده و از آنجا که نتوانسته است دستاوردهای مهمی را در جنگ با حماس به دست بیاورد به ناچار برای دستاوردسازی تصمیم حمله به حزب الله لبنان را دارد تا بلکه آمریکا و ایران را هم وارد این درگیری گسترده نماید تا سرپوشی بر جنایاتش در غزه باشد.

## تلاش برای پیروزی کاذب با ترور اسماعیل هنیه



آنچه در سلسله عملیات ترور رهبران مقاومت فلسطین انتظار می رفت، بامداد چهارشنبه در اقدامی جنایتکارانه و خائنانه برای اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) به وسیله رژیم صهیونیستی و با حمایت آمریکا انجام شد. رژیم اشغالگر صهیونیستی جنایت خود را در خاک ایران با ترور هنیه انجام داد، آن هم ساعتی پس از آنکه هواپیماهای نظامی رژیم اشغالگر مناطقی را در بیروت بمباران کرده بودند. همچنین پس از بمباران زمین فوتبال در مجدل شمس که کار همین صهیونیست های اشغالگر بود. رژیم صهیونیستی در فضای نامحدود و بدون بازدارندگی واقعی در برابر مقاومت قد علم کرده است و یاغی گونه با جنایت های خود یکه تاز می کند؛ آنها غزه را نیز همین گونه با حمایت آمریکا به آبشار خون تبدیل کرده اند.

ترور شهید اسماعیل هنیه در دایره خیانت ها و فریب رژیم صهیونیستی قرار می گیرد. گرچه وی فرمانده نظامی نبود، ولی در حد رهبران نظامی حماس که هدف اشغالگران قرار گرفتند، اقدامات احتیاطی انجام می داد؛ بنابراین ترور اسماعیل هنیه از قبل قابل پیش بینی بود؛ آن هم شخصی که شهرتش از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ میلادی پس از عملیات «طوفان الاقصی» و در ادامه، تجاوز صهیونیست ها به غزه بیشتر شد و توانست ارتش صهیونیستی را در باتلاق غزه گرفتار کند.

شکست بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در غزه احتمالات را درباره ترور وی افزایش داد و بارها تحلیلگران نظامی درباره این موضوع مطالبی گفته بودند. چند ماه پیش گفته شد، اشغالگران ممکن است به این نوع جنایت خائنانه متوسل شوند تا افکار عمومی و فضای نظامی و سیاسی شکست صهیونیست ها را در غزه منحرف کنند. ترور شهید هنیه که نخستین هدفش ایجاد فضای بیروزی کاذب برای کابینه جنگ دشمن صهیونیستی، بازگرداندن حیثیت از دست رفته آنها در داخل فلسطین اشغالی و تقویت به اصطلاح کارنامه سیاسی نتانیاهو بود، اکنون محقق شد. ایران محل ترور بود؛ هرچند سؤال بی پاسخی تاکنون وجود دارد، و امکان دارد همه آنها در حد تحلیل و ابهام باقی می ماند، اما تنها چیزی که مسلم است اینکه رد پای رژیم صهیونیستی را در اجرا و حمایت آمریکا را در پشتیبانی می توان مشاهده کرد.

موضوع فلسطین در مسیر پیچیده خود هیچ گاه به اندازه کنونی با شتاب رسانه ای و سیاسی مواجه نشده بود و این موضوع مرهون استواری و مقاومت مردم فلسطین است که با همه شاخه ها و گروه های مبارزاتی و در رأس آنها جنبش حماس در غزه تسلیم اشغالگران نشدند. آنها ۱۰ ماه پیش بدون اینکه جهان غرب یا عرب هیچ حمایت واقعی از مبارزه با دشمن صهیونیستی کنند، وارد فضای مقاومت برابر اشغالگران شدند، در حالی که اعراب صرفاً به بیانیه خوانی و محکومیت های صوری در محافل مختلف ادامه می دادند. قبل از ترور شهید هنیه بسیاری از رهبران فلسطینی از شهید خلیل الوزیر گرفته تا دیگر رهبران مقاومت به وسیله رژیم صهیونیستی شهید شدند. آنها با این روش به دنبال پایان

دادن به حضور فلسطینیان و به دنبال راه حل های ظالمانه همچون تداوم اشغالگری هستند؛ صهیونیست ها از ارزش هایی همچون عدالت و ارزش های انسانی بویی نبرده اند.

موضوع فلسطین خطرناک ترین مسیر تاریخ مبارزاتی خود را طی می کند و هرگونه اختلافات فلسطینی-فلسطینی غیر قابل توجیه است. ترور هنیه در ایران پیامی از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکا به محور مقاومت در غزه، لبنان و یمن بود که حاضرند برای تداوم اشغالگری به هر درجه از قلدری و جنایت افسار گسیخته دست بزنند. شاید ترور هنیه در پایتخت ایران در سحرگاه روز چهارشنبه شهادی بر تداوم اشغالگری باشد که با پشتیبانی آمریکا انجام شد. به نظر می آید در محاسبات سیاست رژیم صهیونیستی سلسله ترورها ادامه خواهد یافت و فکر می کنند این ساده ترین راه برای از بین بردن موجودیت فلسطین است. این سناریوهای تودرتو در ذهنی بیمار اشغالگران صهیونیست شکل می گیرد و شبانه روز به دنبال تحقش هستند. «طوفان الاقصی» که در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ میلادی رخ داد، بخشی از مبارزه برای توقف این طرح شوم صهیونیستی است.

اسماعیل هنیه آخرین شهید فلسطین نخواهد بود. روز جهانی فلسطین نیز با فراخوان از مردم جهان برای تظاهرات بین المللی به نام فلسطین انجام می شود؛ موضعی که هنیه بارها اعلام کرد و در راهش شهید شد و شاید روز جهانی قدس هر سال در حمایت از آرمان و هویت و هستی فلسطین پرشورتر برگزار شود.

فکر می کنم ترور هنیه باعث گسترش فرهنگ مقاومت خواهد شد؛ پس از گسترش دامنه جنایت صهیونیست ها در غزه و گستردگی جنایت های صهیونیسم در غزه، نبرد قوی تر از آنچه اکنون است به کرانه باختری و کل فلسطین منتقل می شود. ترور شهید اسماعیل هنیه منطقه را به درگیری های دیگری در جغرافیای غیر عربی می کشاند. رژیم صهیونیستی قطعاً مسئول ترور شهید هنیه است. در واقع کار به حد وقاحت رسید که دفتر مطبوعاتی رژیم صهیونیستی تصویری از شهید هنیه را منتشر کرد و در کنار آن نوشت، «حذف شد».

## حقیقت و مجاز حمله احتمالی به حزب الله

سعدالله زارعی

رژیم غاصب اسرائیل از اینکه ناگزیر به ترک غزه و پایان دادن به جنگی شود که هیچ نتیجه ای برای آن نداشته است، بشدت وحشت دارد و به همین جهت به طرح موضوعاتی روی آورده که در حکم انداختن تیر در تاریکی است، ادعای حل مسئله بین آمریکا و رژیم درباره روند، نتایج و افق جنگ یکی از این موارد است و تهدید حزب الله لبنان به پاسخ قوی به واقعه «مجدل شمس» هم یکی از این تیرها به حساب می آید. اما مردان جنگ می دانند که وقتی پای عمل به میان آید این میدان است که حرف می زند و تیر انداختن شکل واقعی به خود می گیرد.

واقعه روز شنبه گذشته در باشگاهی در مجدل شمس در جولان اشغالی و کشته شدن ۱۲ شهروند سوری الاصل و زخمی شدن حدود ۲۰ نفر دیگر از آنان به هیچ وجه تناسبی با تبلیغاتی که دستگاه امنیتی و عملیات روانی رژیم راه انداخته ندارد؛ اولاً رژیم می داند که سیاست حزب الله در طول این نزدیک به ده ماهی که برای حمایت از زنان و کودکان و بیماران و توده های مردم و سازمان های مقاومت غزه به میدان آمده است، هیچ گاه حمله به غیرنظامی ها نبوده است و آن قدر در این مورد خویشتنداری کرده که خود اسرائیلی ها گمان کرده اند، عدم حمله به عناصر مدنی، خط قرمز مقاومت لبنان می باشد.

ثانیاً حزب الله وقتی تاکنون به عناصر مدنی در سرزمین های شمالی فلسطین حمله نکرده، چگونه می تواند به شهروندان سوری الاصل جولان اشغالی حمله کند؟

ثالثاً با فرض اینکه رژیم غاصب، این شهروندان را شهروند خود می داند، مگر اولین بار است که اسرائیل در جریان جنگ غزه تلفات می دهد؟

رابعاً قانون جنگ می گوید وقتی با حمله ای مواجه شدی می توانی در همان اندازه پاسخ دهی. پس این همه سر و صدا و بحث نمی تواند در واکنش به یک واقعه باشد.

حزب الله لبنان اولین واحد منطقه ای بود که پس از شروع جنگ غزه و بمباران این منطقه توسط هواپیماهای نظامی اسرائیل، در حمایت از غزه، بدون درنگ وارد میدان شد و رسماً اعلام کرد تا زمانی که دشمن صهیونیستی، جنگ غزه را متوقف نکند، به حملات خود ادامه می دهد. حزب الله هم تا امروز بر این پیمان باقی مانده و برای آن هم هزینه های سنگین انسانی و مالی پرداخته است.

به نظر می آید رژیم با برجسته سازی تهدید حزب الله، درصدد سرپوش گذاشتن بر شکست در غزه است. شاخ و شانه کشیدن های نتانیاهو در حین سفر به آمریکا از این افلاس و دست های خالی خبر می دهد. چرا که همه می دانند مدتی است سرنوشت نتانیاهو و دولت او برای مقامات حزب دموکرات و مقامات حزب رقیب آن، موضوعیت خود را از دست داده است.

## اهداف و پیوست رسانه ای رژیم صهیونیستی در حمله به جنوب بیروت

حمیدجعفری

پیوست رسانه ای رژیم صهیونیستی بعد از حمله به بیروت تلاش دارد تا اراده مردم لبنان و به تبع آن حزب الله را در پاسخ به حمله به بیروت بر اساس دکترین پاسخ متقابل حزب الله در همان سطح را شکسته و ضمن دستاورد سازی برای شهرک نشینان صهیونیستی، حزب الله را از پاسخ منصرف کند. با توجه دکترین پاسخ متقابل و بازدارنده حزب الله که در طول این نبرد مقدس همواره به آن پای بند بوده و حضور مردم لبنان در کنار ساختمان هدف قرار گرفته شده توسط رژیم صهیونیستی و سر دادن شعار انتقام توسط حزب الله، به نظر می رسد حزب الله هدف یا اهدافی را در تل آویو یا سایر مراکز مهم رژیم صهیونیستی مورد حمله قرار دهد.

الله، موازنه قوا را در نبرد بیش از ده ماهه بعد از طوفان الاقصی بین خود و حزب الله به نفع خود کرده و پیام هشدار به حزب الله بدهد که پاسخ حملات حزب الله در شمال سرزمین های اشغالی من بعد فقط در جنوب لبنان نخواهد بود.

۲. رژیم صهیونیستی با پیوست رسانه ای بعد از حمله به جنوب بیروت خطاب به حزب الله، که از نظر رژیم صهیونیستی کار تمام شده و اگر حزب الله پاسخ دهد پاسخ های بعدی رژیم صهیونیستی شدید تر خواهد بود، به دنبال بر هم زدن معادله ای است که سید حسن نصرالله از روز آغاز نبرد با رژیم اعلام داشت مبنی بر اینکه، تل آویو در برابر بیروت، شهروند در برابر شهروند، مراکز حیاتی در برابر مراکز حیاتی باشد و...





## توسعه «صادرات غیر نفتی» کلید مسئله تأمین ارز واردات است

حمید صافدل

حمید صافدل رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت پیرامون مسئله تأمین ارز واردات در گفت‌وگو با مسیر اقتصاد گفت: سال‌هاست که نظام ارز تجارت خارجی ما متأثر از شرایط تحریم است و بازارهای هدف ما و خرید کالای ما دائم در حال جابه‌جایی است. متأثر از شرایطی که درآمدهای ارزی به سمت شرق یا کشورهای همسایه می‌رود، بخشی از بازار تهیه کالا هم به همان سمت می‌رود؛ چرا که شرایط ارزی و تجاری کشور به هم گره خورده است.

### تحریم‌ها و فرهنگ نادرست دولتی؛ بزرگترین موانع رشد صادرات غیر نفتی ایران

صافدل با بیان اینکه در شرایط فعلی فرآیند تجارت در کشور طولانی‌تر از حد معمول است، گفت: یک تجارت را وقتی به لحاظ بهبود شرایط کسب و کار بررسی می‌کنیم، فرایندهای زمانی انجام تجارت، هزینه‌های تجارت در یک واحد کالا و تعداد اسنادی که مبادله می‌شود رتبه ما را تعیین می‌کنند.

وی ادامه داد: در ایران، زمان تجارت‌مان طول می‌کشد و هزینه‌هایی را به ما تحمیل می‌کند و هزینه‌های خود کالا به لحاظ هزینه نقل و انتقال ارز، باعث گرانی کالا می‌شود؛ همچنین تعداد بالای گلوگاه‌های نظارتی باعث می‌شود تعداد اسنادمان بیش از کشورهای دیگر در حوزه تجارت خارجی باشد.

وی تصریح کرد: بخشی از این مسئله متأثر از فرهنگ دخالت‌های دولتی، بخشی متأثر از شرایط تحریم و بخشی متأثر از نگاه به دور از تک‌ریم و تسهیلگری است.

### «صادرات غیر نفتی» راه کاهش فشار تحریم‌ها و تأمین پایدار ارز واردات

معاون اسبق وزیر صمت اظهار داشت: اگر بازارهای نفتی که اصلی‌ترین منبع تأمین ارز کالاهای اساسی است را بتوانیم تثبیت کنیم، قطعاً می‌تواند در بهبود شرایط تخصیص مؤثر باشد. اما از جایی که تمرکز تحریم‌ها بر موضوع نفت و کالاهای نفتی است، شاید اگر بر صادرات غیر نفتی تمرکز کنیم و امتیازهایی که می‌خواهیم در کالاهای نفتی بدهیم را به صادرکننده خودمان بدهیم، به دلیل کثرت جمعیتی، تنوع بازاری و دسترسی‌های مطمئن‌تری که دارد، قابلیت تغییر و انعطاف بیشتری دارد و بهتر می‌تواند ارز مورد نیاز کشور را فراهم کند.



## چرا اروپا اولویت ندارد؟

با یک جست‌وجوی ساده، عکس‌های کودکان پروانه‌ای ایران را تماشا کنید؛ مشکل اصلی بر سر راه مداوای این کودکان معصوم، تحریم‌هایی است که آمریکا و برخی کشورهای اروپایی در این زمینه وضع کرده‌اند. هر کسی که از نزدیک این کودکان را دیده و دیده که چگونه زجر می‌کشند و می‌سوزند، روح و جان‌ش آزرده می‌شود؛ البته در کنار این، معنای حقیقی حقوق بشر غربی را نیز می‌فهمد.

مدتی پیش برای حل مشکل بیماری کودکان پروانه‌ای با یکی از دولت‌های همسایه وارد مذاکره شدیم تا بلکه از این طریق بتوانیم داروی مورد نیاز را وارد کشور کنیم. کشور همسایه نیز تقاضای ایران را پذیرفت. به همین دلیل آن دولت، اضافه بر میزان مورد نیازش، مقدار داروی درخواست شده از سوی بخش پزشکی جمهوری اسلامی ایران را نیز در درخواست خرید خود لحاظ کرد و در پی آن از یکی از کشورهای اروپایی سفارش خرید داد؛ اما قصه تلخ بیماران پروانه‌ای همین جا پایان نمی‌یابد و آن کشور اروپایی با مقایسه سفارش کشور همسایه ایران در نوبت جدید با مراحل گذشته و با احتمال اینکه این سهمیه اضافه شاید مربوط به ایران باشد، از فروختن داروی اضافه اجتناب می‌کند!

از موضوع فوق می‌گذریم؛ اما پاسخ به این پرسش مهم به نظر می‌آید، چرا در مواقع ناامنی و اغتشاش در ایران کشورهای غربی اعلام می‌کنند که درباره موضوع اینترنت، تحریم‌های خود علیه ایران را نادیده می‌گیرند و اینترنت رایگان در اختیار مردم ایران قرار می‌دهند؟ پاسخ به این پرسش البته جزء ساده‌ترین پرسش‌های عرصه سیاست در دنیای امروزین است. آمریکا و برخی از دولت‌های اروپایی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به مثابه ابزاری برای ایجاد اغتشاش و تخریب و در نهایت به راه انداختن جنگ خونین در ایران می‌نگرند. جز این هر کس فکر دیگری در ذهنش نقش ببندد، القبا‌ی سیاست را نیز درک نکرده است.

در اینجا نکته اساسی و مهم برای تصمیم‌گیران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و خاصه رئیس‌جمهور محترم آن است که در زمینه فهم ماهیت و علل رفتارهای مبهم و متناقض برخی دولت‌های غربی در زمینه مذاکرات و روابط سیاسی، تأملات و پیش‌بینی‌های جدی داشته باشند؛ اما از آن مهم‌تر توجه به این مسئله است که استمرار پیوند دادن روابط اقتصادی به مسائل سیاسی از سوی مقامات اروپا و آمریکا، چشم‌انداز توافقات و ارتباطات باثبات را که دربرگیرنده انتفاع پایدار اقتصادی ایران باشد، به طور بنیادین، متزلزل و نامطمئن می‌کند. دولت‌هایی که حتی داروی کودکان را به موضوعات سیاسی پیوند می‌زنند و در بسیاری از امور دیگر همواره برای مردم ایران تنگنا و تحریم ایجاد می‌کنند، طبیعتاً در سیاست خارجی ایران از اولویت می‌افتند.



صافدل افزود: اگر بخواهیم از مشکلات فعلی تخصیص رهایی پیدا کنیم، باید قابلیت تأمین ارز حاصل از صادرات فعالین بخش خصوصی را بیشتر کنیم و لازم‌ه آن، تأمین سرمایه در گردش، تأمین نقدینگی به شکل ارز، کوتاه‌کردن زمان و کاهش تعداد اسناد در گلوگاه‌های مختلف برای صادرکننده است تا با رغبت صادرات را انجام دهد و ارز حاصل از آن را در جهت تأمین کالاهای مورد نیاز مردم به ویژه کالاهای اولویت‌دار مورد نظر دولت به کار گیرد.

### یکسان‌سازی نرخ ارز در ایران؛ الزامات و چالش‌ها

صافدل گفت: موضوع تصمیم‌گیری برای یکسان‌سازی نرخ ارز به دلیل راهکارهای ناموفقی که در طول چند دهه گذشته به کار گرفته شده، باعث نوعی عدم اعتماد شده است. یعنی در هر مرحله‌ای که دولت به سراغ نرخ ارز می‌رود و می‌خواهد آن را یکسان کند، نرخ ارز چند پله بالاتر می‌رود و به تورم و آشفتگی بازار کالا دامن می‌زند.

رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت ادامه داد: اگر بخواهیم به سمت یکسان‌سازی نرخ ارز برویم، باید از ماه‌ها قبل ذخایر استراتژیک را بالا برده، شبکه توزیع مطمئن را ایجاد کرده و با ابزارهای مختلف شفاف‌سازی کرده باشیم. همچنین نظام‌های مالیاتی مؤثر را در صحنه داشته باشیم و از گردش مکرر کالا جلوگیری کنیم. مجموع این اتفاق‌ها باید بیفتد که همزمان با یکسان‌سازی نرخ ارز مؤثر واقع شود، وگرنه با تنش اجتماعی و تحمیل هزینه گرانی کالا مواجه خواهیم شد.

### «حفظ انگیزه تولید و صادرات» عامل تأمین پایدار ارز واردات

صافدل در ادامه خاطر نشان کرد: ایده‌آل این است که جریان تجارت خارجی به یک جریان رقابتی و شفاف تبدیل شود، اما باید این واقعیت را نیز پذیرفت که نیاز به یک دوره انتقال از این

وضعیت داریم و نمی‌شود دفعتاً از فردا یک اطلاعیه بدهیم بگوئیم همه چیز آزاد است. وی تصریح کرد: اما در هر صورت باید اولویت‌ها مورد بازنگری قرار گیرد. از آنجایی که صادرکننده منابع ارز را نمی‌گیرد، تسهیلات ارزی برای تولید نمی‌گیرد و مشکل سرمایه در گردش دارد، به یک شکلی باید انگیزه تولید و صادرات وی حفظ شود. هر چقدر بتوان انگیزه تولید و صادرات را ماندگارتر کرد، رویه تأمین ارز توسط صادرکننده‌ها راحت‌تر اتفاق می‌افتد و هر چقدر کثرت جمعیتی که برای کشور از محل صادرات ارز تولید می‌کند بیشتر شود، نرخ ارز با ثبات‌تر و تخصیص ارز برای واردات هم پایدارتر و مطمئن‌تر خواهد بود.

### ضرورت ارتقای جایگاه نهاد تجارت خارجی در کشور

حمید صافدل در پایان گفت: هرگونه نهادسازی جدید به ضرر کشور است و اصلاح امور بهترین تدبیر در بهبود کار است. اگر بنا باشد اصلاحی در ساختار صورت بگیرد، باید در جهت تقویت آن باشد. مطلوب است بدنه تجارت خارجی به حوزه معاونت اول یا رئیس‌جمهور نزدیک شود که از حمایت‌های بیشتری برخوردار شود. یعنی اگر سطح دسترسی نهاد تجارت خارجی کشور از سطح معاون وزیر یا وزیر، در حوزه دسترسی نزدیک ستاد تصمیم‌گیری دولت قرار گیرد، می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

## اعطای مجوز در سند باکس مشکلاتی را در آینده ایجاد می‌کند

علیرضا شاه میرزایی



در آن ندارد. اگر هر اتفاقی در سایت‌های اینترنتی رخ دهد، اتحادیه مسئول آن است. اتحادیه طلا می‌تواند روی مسائل طلا نظارت داشته باشد و رکن ضامن بانک ملی است.

نادر بذرافشان رئیس اتحادیه طلا و جواهر در ادامه این برنامه از رادیو گفت‌وگو ضمن مطلوب دانستن سامانه هوشمند معاملات طلا گفت: خالی فروشی یکی از ضعف‌های کشور بود و متعلق با سکه ثامن آمد. پیش از هر امری باید زیرساخت‌ها فراهم شود.

وی ضمن ابراز بی‌اطلاعی از اعلام این سامانه افزود: صنعت طلا جزو گرانبهارترین فلزات دنیاست و مردم روی آن سرمایه گذاری می‌کنند. ۵ سال پیش مجوز کسب و کار مجازی فروش طلا داده می‌شد و پس از آن قرار شده مجوزها به کسی داده شود که جواز صنف را داشته باشد.

افراد می‌توانند جواز دریافت کنند و در اثر نداشتن اطلاعات فنی، سکه غیر بانکی و طلای آب شده با کدهای جعلی می‌فروشند. جواز برای برخی صنفها مانند طلا تخصصی است. خالی فروشی نیز از طریق کسانی صورت گرفته که صنفی نیستند و به صنف آسیب رسانده‌اند.

رئیس اتحادیه طلا و جواهر اعطای مجوز در سند باکس را موجب بروز مشکلاتی در آینده دانست و گفت: زیرساخت‌ها برنامه‌ریزی نشده است. بانک مرکزی می‌تواند طلاهایی که در دست مردم را کد مانده بگیرد و در چرخه تولید وارد کند. بنابراین باید از افرادی که به صورت تخصصی در اتحادیه فعالیت می‌کنند، نظر خواهی شود.

علیرضا شاه میرزایی معاون تجارت و خدمات وزارت صنعت، معدن، تجارت در ارتباط تلفنی با برنامه «صبح و گفتگو» رادیو گفت و گو در مورد سامانه هوشمند معاملات طلا اظهار داشت: در سال‌های قبل شاهد خالی فروشی بودیم. تدبیر اولیه این بود که فروش اینترنتی ممنوع شود در حالیکه فروش اینترنتی راهکار مفیدی برای این صنف است اما برای عدم تکرار خالی فروشی طی یک کار فشرده و آزمون انواع ریسک‌ها این سامانه با همکاری همه دستگاه‌ها طراحی شد.

وی افزود: سند باکس یک محیط آزمون است و همه ریسک‌ها در آن آزمون شده و مجوز داده می‌شود. اولین مجوز براساس سند باکس اعطا شده و سایر مجوزها نیز اعطا می‌شود. ابتدا باید طلا در خزانه یک موسسه مالی قرار بگیرد و در هنگام فروش نیز یک شخص ثالث مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ریسک‌ها پوشانده شود.

معاون تجارت و خدمات وزارت صنعت، معدن، تجارت با اشاره به ریسک‌های دزدی و عیار طلا خاطر نشان کرد: در این روش با دلیل آنکه یک موسسه مالی وجود دارد تمام مراحل استانداردسازی انجام می‌شود و مردم می‌توانند به راحتی خرید خود را انجام دهند.

شاه میرزایی تصریح کرد: یک سامانه دولتی ایجاد نشده و متعلق به بخش خصوصی است. مرکز تجارت الکترونیکی از طرف وزارت اقتصاد مسئول مرکز تجارت الکترونیکی سند باکس است که با مشارکت بخش خصوصی مجوز سند باکس را ایجاد کرده‌اند و ربطی به اتحادیه طلا ندارد.

بانک ملی پشت این سامانه است و دولت هیچ مشارکتی



## اوپک و منافع ملی ایران

غلامرضا مصباحی مقدم

بخواهیم یا نخواهیم اوپک تحت تأثیر قدرت‌های جهانی عمل می‌کند. شاهدش این است که وقتی دلار روند تضعیفی را طی می‌کند، رئیس‌جمهور آمریکا با پادشاه عربستان جلسه می‌گذارد و از او می‌خواهد که در اوپک تصویب کند که فروش نفت به دلار باشد. همین موجب شد که دلار تقویت شود و قیمتش بالا بکشد. این یعنی اوپک در خدمت سیاست‌های اقتصادی آمریکاست. علت اینکه دلار آمریکا الان در سطح جهانی موقعیت پیدا کرده، همین است که نفت در جهان دارد با دلار مبادله می‌شود. اگر اوپک بنا را بر این بگذارد که نفت با دلار مبادله نشود و با سایر ارزها مبادله شود، شکست بزرگی بر دلار وارد می‌شود و طبعاً معنایش این است که شکست بزرگی روی سیاست‌های ابرقدرتی مثل آمریکا وارد می‌شود و در منطقه این جنگ‌هایی که ایجاد می‌کند، متوقف می‌شود. ما باید توجه کنیم که نباید تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا عمل کنیم. بله اوپک از یک جهت خوب است. ما سعی کنیم در اوپک حضور داشته باشیم و نقش آفرینی کنیم و رأی داشته باشیم و تأثیرگذار باشیم. اما معنایش این نیست که اوپک معبده است که نباید به آن بی‌احترامی کنیم. اگر سطح تولیدمان را بالا ببریم؛ اما به فرآورده‌ها تبدیل شود و فرآوری را در زنجیره تولید تا پایان ادامه دهیم، به فرض که سهم ما در اوپک افت کند، ما بُرد کرده‌ایم. بُرد ما منافع ملی ماست.



## سریال «سال‌های دور از خانه» کارکرد دهه شصت را ندارد شخصیت «اوشین» برای مخاطب امروز جذاب نیست

امان‌الله قرایی



زمانی در جمع اساتید گفتم در قیل از دوران باستان بچه‌ها باید کار خودشان را خودشان انجام می‌دادند و هر کس خودش عهده‌دار این مسئولیت بود. یکی از جمع اساتید حاضر که در ژاپن تدریس می‌کرد گفت در ژاپن وقتی دخترم را به مدرسه بردم، به دخترم گفتمت باید میز خودت را تمیز کنی و حتی در تمیزی کلاس مثل تمیزی شیشه پنجره‌ها هم مشارکت داشته باشی. البته از یک دانش آموز سال بالاتر خواستند که او به دخترم وظایفش را آموزش دهد. بنابراین سیستم ژاپن تلاش کرد بعد از سال ۱۹۴۹ که جنگ جهانی تمام شد، بچه‌ها را وظیفه‌مدار و مسئولیت‌پذیر بار بیاورد. جامعه‌ی ما در این امر غفلت کرد. علاوه بر آن، امروزه سلطه، قدرت و گستره‌ی فضای مجازی اصلا و ابدا با ۳۰ تا ۴۰ سال قبل مقایسه‌پذیر نیست. شما در آن دوره تلفن همراه و بعد فضای مجازی نداشتید تا بوسیله‌ی آن به دنیا و اخبار در کسری از ثانیه دسترسی داشته باشید. آن زمان رسانه محدود بود به تلویزیون و رادیو که البته اینها هم گسترده نبودند. یک تلویزیون ملی بود و بعد رادیو.

**این سریال در نظرسنجی عمومی منتخب شده است. به نظر تان دلیل اقبال شرکت‌کنندگان در نظرسنجی به «سال‌های دور از خانه» چه بوده است؟**

طبق اخبار در نظرسنجی انجام شده برای انتخاب سریال، حدود ۳۸ درصد به «سال‌های دور از خانه» رای مثبت داده‌اند. اما در جامعه‌ای که ۸۰ میلیون جمعیت

وجود دارد، این آمار بسیار ساده‌اندیشانه است. اغلب این انتخاب‌ها برای آن است که بینندگان برنامه‌ی جذاب دیگری در حوزه‌ی انتخابشان نبوده. از آنجا که اغلب بینندگان تلویزیون افرادی هستند که با این سریال خاطره داشتند و پیش خودشان گفتند بین سریال‌های «سال‌های دور از خانه»، «تاجر پوسان»، «امپراتور دریا» و «وک نیو» آنی را که خیلی وقت است ندیده‌اند و خاطره بیشتری با آن دارند را انتخاب کنند. اما من فکر نمی‌کنم این انتخاب و بازپخش تأثیری در نسل جوان داشته باشد.

**یکی از تأثیرات سریال «سال‌های دور از خانه» در دهه‌ی شصت القای خودباوری به زنان برای ورود به عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی بود. در حال حاضر چقدر این سریال را در این زمینه موفق می‌بینید؟**

نسل امروز به راحتی می‌داند که زن کم‌وکاستی‌ای نسبت به مرد ندارد. در کتاب جامعه‌شناسی آموزش و پرورش که دانشجویانم در منطقه ۱۳ و ۱۴ کار کرده‌اند به این نتیجه رسیدند که زنان شاغل به لحاظ میزان ساعت کار و هم به لحاظ موفقیت در زندگی و هم موفقیت در تحصیل فرزندان‌شان به مراتب از زنانی که شاغل نیستند برتری دارند.

به عنوان مثال نمرات فرزندان محصل زنان شاغل در سطح راهنمایی به طور میانگین ۵/۲ نمره بالاتر از نمرات فرزندان زنان خانه دارند. زنان شاغل حدود ۷۰ ساعت و خرده‌ای در هفته کار

اما امروز صدها کانال در ایران برنامه پخش می‌کند و ذائقه مردم را تغییر داده‌اند. براساس این شواهد و دلایل می‌توانیم به جرات بگوییم که به هیچ عنوان پخش سریال «سال‌های دور از خانه» در این زمان نمی‌تواند به نسبت دهه‌ی شصت بر جامعه اثرگذار باشد. امروز شاید عده‌ی زیادی مثل خود من و دیگران پای این سریال نخواهند نشست. برای اینکه محتوای این سریال دیگر کارکردی برای امروز ندارد و قیاس مشکلات اوشین با مشکلات امروزی خنده‌دار خواهد بود. فرض کنید دختری مثل اوشین باشد. برود در خانه‌ی اربابی با مشقت کار کند. به دنبال شغل شخصی برود و در نهایت صاحب کارخانه شود و الی آخر. این دوره زمانه دختران و زنان زیادی در همین ایران خودمان هستند که خودشان می‌توانند الگوی چنین سریال‌هایی باشند. الگوی وطنی کسب موفقیت اجتماعی و اقتصادی در ایران زیاد داریم.

از نگاه جامعه‌شناسانه عرض می‌کنم که نه به طور مطلق چرا که ممکن است برای نسلی که هنوز وارد سن چرخه اقتصادی نشده‌اند موثر باشد؛ اما آنها هم حالا دیگر به جای آنکه تلویزیون تماشا کنند به خصوص تلویزیون خودمان، سرشان در گوشی تلفن همراه است. بنده معتقدم که «سال‌های دور از خانه» کارکردش به نسبت دهه‌ی شصت نخواهد بود. بر اساس تئوری دیوید رایزمن جوانان ما امروزه، خیرگرا شده‌اند، خودمختارند، سنت‌گرا نیستند و از بزرگ‌تراها پیروی نمی‌کنند، در حالی که از هم‌سن و سال‌هایشان پیروی می‌کنند. در نتیجه می‌بینید که نسل دهه هشتاد با نسل‌های پیشین متفاوتند. همانطور که نسل‌ها همیشه و به

سریال محبوب «سال‌های دور از خانه» پس از مدت‌ها از شبکه تماشا بازپخش می‌شود. این سریال که اولین سریال بلند و محبوب بعد از انقلاب و در بوجوه جنگ بود در آن زمان محبوبیت زیادی بین مردم پیدا کرد. همین موضوع ما را بر آن داشت تا با امان‌الله قرایی استاد جامعه‌شناسی نسبت به کارایی و تأثیرگذاری این سریال در حال حاضر صحبت کنیم.

**سریال «سال‌های دور از خانه» در دهه شصت با محوریت اوشین توانست باعث تحولات چشمگیری در زنان آن زمان بشود. مادران زیادی بعد از دیدن تلاش اوشین برای اقتصاد خانواده، به این سمت رفتند که ما هم دست به کار شویم و در مخارج مقتصدانه‌تر عمل کنیم. پخش مجدد این سریال را برای زنان امروز ایران چگونه می‌بینید؟ آیا همان کارکرد را خواهد داشت؟**

جامعه در طول ۳۰ تا ۴۰ سالی که از پخش اول سریال «سال‌های دور از خانه» گذشته تغییرات شگرفی کرده و با دهه‌های پیشین انقلاب قابل قیاس نیست و طرز تفکر مردم بسیار تغییر کرده است، به هیچ عنوان نمی‌توانیم ادعا کنیم تأثیری که این سریال در افکار جوانان، دختران، زنان و خانواده جامعه‌ی دهه شصت داشته، از این جهت که سختی را تحمل کنند یا در قبال سختی به موفقیت برسند، الان امکان‌پذیر باشد. برای اینکه سریال «سال‌های دور از خانه» برای جامعه‌ی ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم ساخته شده است. آن زمان ژاپن برای ترغیب جامعه به تلاش و پذیرش سختی بالاخص در زنان و خانواده این سریال را ساخته بود. البته ژاپن توانست با کار، تلاش و کوشش به پیشرفت، توسعه و موفقیت هم برسد. جامعه‌ی امروز ایران چه به لحاظ فرهنگی و چه به لحاظ طبقات و ساختار فکری با جامعه‌ی دهه‌ی شصت متفاوت شده است. از آنجا که از دیدگاه جامعه‌شناسی، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است که موجب رشد و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و روانی و فکری جامعه می‌شود، بررسی تغییرات فرهنگی در سنجش رشد جوامع موثر است. در فرهنگ ژاپن وظیفه‌مداری و مسئولیت‌پذیری از طریق تعلیم و تربیت به نسل‌های بعدی القا کردند. اما در ایران این اتفاق نیفتاده. جوانان ما، نه در خانواده و نه در آموزش و پرورش جهت این امور پرورش پیدا نکرده‌اند. دلایل کم شدن تأثیر این سریال در حال حاضر ایران را چه می‌دانید. چرا که امروز هم به لحاظ شرایط معیشتی شباهت‌های کم و بیشی به دهه شصت وجود دارد!

**دلایل کم شدن تأثیر این سریال در حال حاضر ایران را چه می‌دانید. چرا که امروز هم به لحاظ شرایط معیشتی شباهت‌های کم و بیشی به دهه شصت وجود دارد!**

## آشنایی با مهم‌ترین جوایز و جشنواره‌های بین‌المللی کتاب کودک/ع معرفی جوایز رده‌هاوس و کتاب‌های خردسالان بوک تراست



**جایزه کتاب‌های خردسالان بوک تراست**

جایزه کتاب‌های خردسالان بوک تراست جایزه‌ای است که هر ساله به بهترین کتاب‌های منتشر شده در انگلستان برای نوزادان، نوپایان و کودکان پیش‌دبستانی تعلق می‌گیرد. برگزارکننده این جایزه بنیاد بوک تراست انگلستان است. این جایزه بخشی از پروژه بوک استارت انگلستان به شمار می‌رود و در سه بخش، بهترین کتاب برای نوزادان زیر یک سال، بهترین کتاب تصویری برای کودکان پیش‌دبستانی تا پنج سال و بهترین تصویرگر تازه‌کار کتاب‌های کودکان پیش‌دبستانی تا پنج‌ساله را برمی‌گزیند.

هدف از برگزاری این جایزه تقدیر و اطلاع‌رسانی درباره کتاب‌های منتشر شده برای نوزادان، نوپایان و کودکان پیش‌دبستانی و دسترس‌پذیرتر کردن آن‌ها برای مخاطبان‌شان است. برندگان هر بخش، جایزه‌ای برابر با دوهزار پوند به همراه یک نشان ویژه دریافت می‌کنند. افزون بر این، تصویرگر برگزیده هم یک جایزه ویژه از یک تصویرگر مشهور دریافت می‌کند. از

در انگلستان است که کتاب‌های کودکان و خواندن را برای لذت بردن در تمام سنین کودکان، از نوزادان تا نوجوانان، ترویج می‌کند. این سازمان از سوی داوطلبان علاقه‌مند به حمایت از کودکان و کتاب‌های آن‌ها و از طریق یک مدیر اجرایی، در سطح ملی و از طریق گروه‌های محلی و با حمایت افراد و اعضای حرفه‌ای، در سطح محلی، اداره می‌شود. فدراسیون با ناشران، کتابخانه‌ها، مدارس و سایر نهادهای علاقه‌مند به سوادآموزی، خواندن و جوانان همراه می‌شود.

این فدراسیون مالک و هماهنگ‌کننده جایزه کتاب کودکان خانه سرخ، تنها جایزه ملی کتاب بریتانیا است که به طور کامل از سوی کودکان به کتاب‌های آن امتیاز داده شده است.

ماه مه از سوی فدراسیون ماه ملی اشتراک‌گذاری یک داستان و هر روز ماه نوامبر روز ملی اشتراک‌گذاری اثر غیرداستانی تعیین می‌شود. این کنفرانس سالانه هر بهار (با کمک گروه‌های محلی) و همچنین کنفرانس‌های منطقه‌ای مختلف یک‌روزه برگزار می‌شود. فدراسیون به‌طور منظم لیست‌های کتاب را برای کودکان در سنین مختلف منتشر می‌کند و همچنین سه بار در سال خبرنامه تولید می‌کند و درباره کتاب‌های کودکان و خواندن برای لذت بردن مشاوره و اطلاعات عمومی ارائه می‌دهد.

در سال ۲۰۱۱، فدراسیون گروه‌های کتاب کودکان برنده جایزه النور فارژن برای خدمات برجسته به دنیای کتاب‌های کودکان بریتانیا شد.

چهارمین قسمت از سلسله مباحث «آشنایی با مهم‌ترین جوایز و جشنواره‌های بین‌المللی کتاب کودک» به معرفی جایزه کتاب کودکان فدراسیون گروه‌های کتاب کودکان یا رده‌هاوس و جایزه کتاب‌های خردسالان بوک تراست اختصاص دارد.

**جایزه رده‌هاوس**

جایزه کتاب کودکان فدراسیون گروه‌های کتاب کودکان مجموعه‌ای از جوایز ادبی سالانه برای کتاب‌های کودکان است که در سال تقویمی گذشته در انگلستان منتشر شده باشند. این کتاب یک برنده «به‌طور کلی» و یک کتاب در هر یک از این سه دسته را به رسمیت می‌شناسد: کتاب برای کودکان، کتاب برای خوانندگان جوان و کتاب برای خوانندگان مسن‌تر. انتخاب‌ها تماماً از سوی کودکان انجام می‌شود که در میان جوایز ادبی بریتانیا منحصر به‌فرد است. این جایزه قبلاً به عنوان جایزه کتاب کودکان خانه سرخ شناخته می‌شد که بعدها تغییر نام داد.

فدراسیون گروه‌های کتاب کودکان مالک و هماهنگ‌کننده این جایزه است که در سال ۱۹۸۱ به عنوان جایزه کتاب کودک افتتاح شد. هدف این جایزه «تقدیر از کتاب‌هایی است که کودکان خود عاشق خواندن آن‌ها هستند.» و از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ از جانب کتابفروشی سفارش پستی Red House - یک نام تجاری متعلق به شرکت کتاب فروشی The Book - People حمایت می‌شد.

فدراسیون گروه‌های کتاب کودکان یک مؤسسه خیریه ملی

می‌کنند در حالی که زنان خانه‌دار حدود ۳۸ ساعت در هفته کار مفید دارند. به فرض زن شاغل از ساعت ۷ صبح باید شروع کند به صبحانه دادن به فرزندان، بردنشان به مدرسه، رفتن خودشان به محل کار، بعد از تایم کاری رفتن دنبال بچه‌ها و الی آخر تا پاسی از شب هنوز در حال تکاپو است. طبق تحقیقات میدانی که در یکی از استان‌ها انجام شده نسل گذشته به دلیل اینکه هنوز از سنت‌ها پیروی می‌کنند و معتقدند زن باید در چارچوب آشپزخانه زندگی کند، یا اینکه چه معنا دارد که زن پشت میز بنشیند و با غیر هم‌جنس همکار باشد، همچنان مخالف حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی هستند. باید بگوییم این جبر جامعه است. در حالی که نسل جوان به دلیل ارتباط گسترده‌ای که به واسطه‌ی رسانه‌ها کسب کرده پذیرفته‌اند که زن می‌تواند در عرصه‌های مختلف بدون محدودیت حضور پیدا کند.

زن امروزی دیگر از پا به پای مردان دست‌فروشی کردن ابایی ندارد و می‌خواهد خودش در کسب درآمد فعال باشد. در همین تجریش زنانی داریم که با دست‌فروشی و نوازندگی کسب حلال دارند. این نسل گذشته است که هنوز در برابر پذیرش حضور زنان در جامعه یکدندگی می‌کند؛ البته آنها هم به تدریج دارند با حضور فعال زنان در عرصه اقتصاد و جامعه کنار می‌آیند. مخلص کلام اوشین برای دهه شصت می‌توانست الگو فرهنگی باشد؛ اما الان دیگر زنان و دختران با همت وافر خودشان در اجتماع و اقتصاد حضور پررنگ دارند.

سال ۲۰۰۹ به ناشران کتاب‌های برنده هم از سوی بوک تراست انگلستان گواهی‌نامه‌ای اهدا می‌شود که آن‌ها را در میان ناشران سال جایزه کتاب‌های خردسالان قرار می‌دهد.

این جایزه پیش از سال ۲۰۰۴ با نام «جایزه کتاب‌های خردسالان سینزبری» شناخته و از سوی فروشگاه‌های زنجیره‌ای سینزبری پشتیبانی می‌شد. این جایزه، که در سال پنجم خود است، از بهترین کتاب‌ها را برای به اشتراک گذاری با کودکان خردسال تقدیر و آن‌ها را ترویج می‌کند.





## اقتصاد دیجیتال و آینده اقتصادی ایران

قطعا یکی از سویه‌های مهم دیجتالیسم، سویه اقتصادی آن است. نخستین پرسشی که پیش روی هر کنسی قرار می‌گیرند آن است که آیا دیجتالیسم می‌توان گره‌گشای اقتصاد زیر و زیر شده اقتصاد ایران باشد؟ اصلا دیجتالیسم چه امکاناتی اقتصادی را پیش روی ما می‌گذارد؟ نسبت مناسبات اقتصادی بر بستر دیجیتال با اقتصاد سنتی چگونه سامان می‌یابد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها سایبرپژوه گفت‌وگویی با دکتر محمدرضایزدی زاده ترتیب داده‌است.

■ **با توجه به وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور، بسیاری بر این باور هستند که در فضای ناکارآمدی نظریات تجربه‌شده، باید محور اقتصاد کشور از انرژی، کشاورزی، مالیات، صنعت و ... به اقتصاد دیجیتال تبدیل شود. آیا اقتصاد دیجیتال می‌تواند فرشته نجات اقتصاد ایران باشد یا طی چند سال آینده نمی‌توان به رشد جدی اقتصاد در کشور امیدوار بود؟**

شما اشاره کردید که با توجه به وضعیت اقتصادی کنونی کشور، بسیاری معتقدند لازم است که اقتصاد متکی به انرژی، کشاورزی، مالیات، و صنعت به سمت اقتصاد دیجیتال تغییر یابد. اما من بر این باورم که این دو بخش، یعنی اقتصاد سنتی و اقتصاد دیجیتال، نباید به عنوان جایگزین یکدیگر دیده شوند. در واقع، اقتصاد دیجیتال می‌تواند به عنوان یک ابزار برای تسهیل و بهبود فعالیت‌های اقتصادی سنتی عمل کند، نه اینکه آن‌ها را کاملاً جایگزین کند. ناکارآمدی تئوری‌های تجربی در کشورمان ریشه در این دارد که ما اغلب با توهملات نظری در حوزه اقتصاد مواجهیم. تئوری‌های اقتصادی معمولاً در یک محیط آزمایشگاهی و با فرض‌هایی که در دنیای واقعی کمتر پیش می‌آیند، ارائه می‌شوند. هدف از این تئوری‌ها نشان دادن روابط بین دو یا چند متغیر در شرایطی است که سایر عوامل ثابت فرض می‌شوند، اما این فرضیات غالباً با واقعیت‌های اقتصادی ما همخوانی ندارند. واقعیت این است که تئوری‌های اقتصادی ابزاری برای درک روابط هستند و نه الزاماً برای تحلیل دقیق واقعیت‌های جامعه یا ارائه راه‌حل‌هایی برای مشکلات کشور. یکی از چالش‌های این تئوری‌ها این است که تمایل دارند روابط علی و معلولی را به صورت یک طرفه ببینند، در حالی که در یک سیستم اقتصادی، اجزاء مختلف بر یکدیگر تأثیرات متقابل دارند و علت‌ها و معلول‌ها می‌توانند به مرور زمان تغییر کنند. پس، حرکت به سمت اقتصاد دیجیتال نه تنها یک انتخاب بلکه یک ضرورت در راستای پیشرفت فناوری و تکنولوژی است. این دیدگاه نباید به این معنا باشد که اقتصاد سنتی و دیجیتال جایگزین یکدیگر هستند، بلکه آن‌ها باید به عنوان مکمل‌هایی به یکدیگر نگریسته شوند.

■ **حال آیا به نظر شما اقتصاد دیجیتال می‌تواند تاثیر شگفت‌انگیزی بر روابط اقتصادی بگذارد و رویه‌های اقتصادی را دگرگون کند؟**

اقتصاد دیجیتال، به عنوان یک تحول پارادایمی، به سرعت در حال شکل‌گیری است و امکان دارد که به همان سرعت، جای خود را به فناوری‌های جدیدتری بدهد. این پارادایم نوین، قادر است هزینه‌ها را کاهش داده و تغییرات اساسی در بسیاری از بخش‌ها ایجاد کند، از جمله اینکه تکنولوژی‌های قدیمی را کنار گذاشته و تکنولوژی‌های جدیدی را معرفی کند. در این میان، نقش هوش مصنوعی بسیار حیاتی است.

در کتابی که بنده در حال انتشار آن هستم، "اقتصاد مقاوم و راه‌های دسترسی به آن"، تأکید شده‌است که باید یک معاونت رئیس‌جمهور مخصوص به هوش مصنوعی و فناوری دیجیتال تأسیس شود. این معاونت باید به صورت گسترده و با مدیریت مستقل، تمام جوانب اقتصاد دیجیتال را در نظر بگیرد تا آسیب‌پذیری در این بخش به حداقل برسد. همچنین باید از ظرفیت‌های اقتصاد دیجیتال در زمینه‌های مختلفی مانند صنعت، کشاورزی، و نفت بهره‌برداری کند تا به توسعه همه‌جانبه اقتصاد کمک شود. این توجه ویژه به فناوری دیجیتال و هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک عامل محوری در تقویت اقتصاد مقاوم شناخته شود و راه‌های جدیدی را برای دستیابی به رشد و توسعه پایدار فراهم آورد.

■ **با توجه به فرمایش‌های پیشین جنابعالی مبنی بر فقدان سازوکار و استراتژی واحد در حکمرانی اقتصادی ایران، چگونه می‌توان تأثیر آن را بر اقتصاد دیجیتال ردیابی کرد؟ به نظر شما سیاست‌های اقتصادی فعلی موجب رشد توسعه اقتصاد نواورانه می‌شود یا مانع تحقق آن است؟ آیا اساساً می‌توان از سیاست‌های اقتصادی فضای مجازی صحبت کرد و آیا اصلا کشور در این زمینه سیاست مشخص، منسجم و قابل رهگیری دارد؟ برنامه‌های توسعه که مشخصاً قانون هستند و توسط مجلس تصویب می‌شوند در طول ۳۰ سال گذشته توجه خاص و ساختار مندی به اقتصاد نواورانه داشته‌اند؟**

در خصوص نبود یک سازوکار و استراتژی واحد در حکمرانی اقتصادی ایران، توجه داشته باشید که یکی از مشکلات اصلی کشور ما فقدان یک استراتژی اقتصادی مشخص است. این مسئله منجر به تضعیع منابع کشور، تکرار بی‌پایان کارها و بی‌ثباتی در برنامه‌ریزی‌ها شده است. این وضعیت بدان دلیل است که هر دولتی پس از روی کار آمدن، می‌کوشد بر اساس دیدگاه‌های خود، از نو شروع کند و ما هیچ استراتژی مشخص و دائمی‌ای را تعریف نکرده‌ایم که هر دولتی باید آن را دنبال نماید. نتیجه این امر، وضعیتی است که در آن، با

بسیاری موارد، این شرایط محقق نمی‌شود.

این دوقطبی میان اقتصاد دولتی و اقتصاد رها، هر دو بر پایه فرضیاتی هستند که در عمل قابل اجرا نیستند. در هر اقتصاد بازی، نوسانات اقتصادی اجتناب‌ناپذیر هستند و نشان‌دهنده ماهیت آن اقتصاد می‌باشند. مهم این است که یک هویت اقتصادی واضح و عملی برای ایران تعریف شود که بتواند هم به توسعه پایدار کمک کند و هم از نوسانات شدید اقتصادی که به جامعه آسیب می‌زند، جلوگیری نماید.

در اقتصادهای آزاد، دولت‌ها همچنان نقش مهمی در کنترل و مدیریت نوسانات اقتصادی ایفا می‌کنند، از طریق سیاست‌های مالی و پولی که بر عرضه و تقاضا تأثیر می‌گذارند. این امر نشان می‌دهد که وجود یک بازار کاملاً آزاد یا اقتصاد دولتی محض، در عمل بسیار نادر است و هر دو نوع اقتصاد نیازمند دخالت‌های معقول دولتی برای رسیدن به ثبات و رشد پایدار هستند.

این دخالت‌ها می‌توانند شامل وضع مالیات بر کالاهای خاص برای کاهش تقاضا، ارائه تسهیلات یا مشوق‌های مالی برای تشویق تولید یا مصرف برخی کالاها، یا استفاده از سیاست‌های پولی برای کنترل کلی تقاضا در اقتصاد باشند. هدف از این اقدامات، دستیابی به اهداف اقتصادی مورد نظر دولت است، مانند رشد اقتصادی، کنترل تورم، یا ایجاد اشتغال.

مشکل اصلی که در ارتباط با استراتژی اقتصادی عنوان کردید، عدم وجود یک برنامه بلندمدت است که اهداف اقتصادی را به طور واضح تعریف کرده و راه‌های رسیدن به آن اهداف را بر اساس سناریوهای مختلف و انعطاف‌پذیر تعیین کند. این عدم وجود استراتژی مشخص، اقتصاد را وابسته به متغیرهایی می‌کند که کنترل آن‌ها خارج از دسترس است، مانند قیمت‌های جهانی یا میزان صادرات، که می‌تواند به ناپایداری‌های اقتصادی منجر شود.

این بحث تأکید می‌کند بر ضرورت تدوین یک استراتژی اقتصادی دقیق و انعطاف‌پذیر که بتواند به طور مؤثر به مدیریت و کنترل نوسانات اقتصادی بپردازد و از طریق دخالت‌های هدفمند و محاسبه شده، به اهداف بلندمدت اقتصادی کشور کمک کند.

■ **ابعاد نقش آفرینی دولت (به معنای عام) در اقتصاد دیجیتال چیست؟ آیا ما باید به سمت اقتصاد دیجیتالی مانند چین برویم که در آن پشتوانه دولتی منجر به توسعه محیط نوآوری و سرمایه‌ی می‌شود یا باید مدل‌هایی مانند مدل آمریکایی را پیگیری کنیم و دولت صرفاً فراهم‌کننده زمینه‌های رشد و توسعه اقتصاد دیجیتال باشد؟ یا باید مانند عربستان تحت یک برنامه مشخص دولتی و منسجم اقتصاد دیجیتال را شکوفا کنیم؟**

اشاره به مدل‌های پیشرفته چین یا آمریکا در زمینه فضای دیجیتال و بیان اینکه همانند آن‌ها پیش برویم، نیازمند توجه دقیق به ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور ما است. فضای دیجیتال در عین فرصت، تهدیدهایی را نیز به همراه دارد و ما باید آسیب‌پذیری خود را در این عرصه به حداقل برسانیم. ایجاد زمینه‌های لازم برای فعالیت بخش خصوصی ضروری است، اما باید زیرساخت‌ها، کنترل‌ها و جایگزین‌های مناسب را برای مقابله با استفاده‌های مخرب از این فضا، مانند جنگ‌های سایبری و تبلیغاتی، فراهم آوریم.

من شخصاً به شدت به اهمیت شبکه اینترنت ملی اعتقاد دارم، زیرا جنگ‌های آینده بیشتر در حوزه‌های سایبری و تبلیغاتی رخ خواهند داد. در نتیجه، کشور باید درحالی‌که از فرصت‌های فضای دیجیتال بهره‌برداری می‌کند، آسیب‌پذیری خود را در این زمینه به شدت کاهش دهد. این امر مستلزم ایجاد یک سیستم داخلی مستحکم و قابل اتکا است که قادر به محافظت از اطلاعات و حفظ استقلال کشور در برابر تهدیدهای خارجی باشد.

■ **اگر امکان دارد مقدراتی درباره این عقیده که شبکه ملی اطلاعات قادر به تثبیت استقلال کشور است توضیح دهید؟ یا این ملاحظه که برخی معتقدند با رشد تکنولوژی‌های سایبری ما دیگر نمی‌توانیم، از مرزهای مرسوم سیاسی سخن بگوییم و با نوعی شبکه‌های منطقه‌ای مواجه خواهیم بود که مرزهای سیاسی را در می‌نوردد.**

موضوع شبکه ملی ارتباطات و اهمیت آن در مقابله با تهدیدات سایبری بسیار حیاتی است. توسعه و استفاده از اینترنت و فناوری‌های مرتبط، در حالی که فرصت‌های بی‌نظیری برای پیشرفت ارائه می‌دهد، می‌تواند به عنوان یک تیغ دولبه عمل کند که در صورت عدم مدیریت صحیح، آسیب‌پذیری‌های جدی به همراه دارد.

شبکه ملی ارتباطات باید به گونه‌ای طراحی شود که قابلیت هدایت و کنترل را داشته باشد و در شرایط خاص بتواند به عنوان جایگزینی امن عمل کند. این شبکه باید امکان کنترل ارتباط با خارج را فراهم کند تا دسترسی غیرمجاز به اطلاعات و سیستم‌های کشور محدود شود و از حملات سایبری، فیشینگ و جمع‌آوری غیرقانونی اطلاعات جلوگیری کند.

آمادگی برای مقابله با تهدیدات سایبری، به ویژه زمانی که تمام ساختارهای اداری، مالی و بانکی کشور بر روی این شبکه متکی هستند، ضروری است. یک سیستم اینترنت ملی کارآمد، نه تنها امنیت داده‌ها و سیستم‌های کشور را تضمین می‌کند بلکه به حفظ استقلال و سیادت ملی نیز کمک می‌کند.

به همین دلیل، ضروری است که چنین سیستمی با دقت و به صورت جامع طراحی شود، و کشورها، حتی آن‌هایی که علناً در این زمینه سخنی نمی‌گویند، در حقیقت سیستم‌های مشابهی را توسعه داده‌اند که در شرایط لزوم می‌توانند به آن سویچ کنند. ایران نیز باید در این زمینه برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشد تا بتواند در مواجهه با چالش‌های آتی، امنیت و پایداری خود را حفظ کند.

■ **دوره مجلس یازدهم رو به پایان است. همان‌طور که می‌دانید مهم‌ترین طرح این مجلس در باره فضای مجازی طرحی موسوم به طرح صیانت بود، هر چند این طرح در مجلس یازدهم تصویب نشد با این حال هر آن امکان دارد که در مجلس آتی نیز طرح‌های مشابه تصویب شود. به نظر شما طرح‌هایی مانند طرح صیانت منجر به رشد اقتصاد دیجیتال کشور خواهند شد؟ آیا به نظر شما در رابطه با فضای مجازی اولویت با قانون‌گذاری فرهنگی است یا قانون‌گذاری اقتصادی یا ترکیبی از آن دو؟**

طرح‌هایی مانند طرح صیانت، اغلب به دلیل فقدان یک استراتژی مشخص و برنامه‌ریزی منسجم در حوزه فضای مجازی و دیجیتال ارائه می‌شوند و نشان دهنده یک واکنش انفعالی به چالش‌ها و تهدیدات موجود در این فضا هستند. این نوع طرح‌ها، که غالباً در مجلس شورای اسلامی مطرح

### جامعه

می‌شوند، نتیجه نگرش‌هایی هستند که به جای تمرکز بر تفکر سیستمی و در نظر گرفتن تمامی جوانب، صرفاً به دنبال کنترل و مدیریت فوری پدیده‌های نوظهور به شیوه‌ای احساسی و گاه پوپولیستی هستند. این طرح‌ها اغلب بدون در نظر گرفتن سناریوهای مختلف و بدون داشتن یک برنامه روشن برای مواجهه با تحولات مختلف در فضای دیجیتال طراحی می‌شوند. در نتیجه، حتی اگر این طرح‌ها به تصویب برسند، ممکن است به دلیل عدم دیدگاه جامع و نگرشی بلندمدت، نتوانند مشکلات جدیدی را به وجود آورند.

راهکار بهینه، توسعه و پیاده‌سازی یک استراتژی مشخص و جامع در حوزه فضای دیجیتال و هوش مصنوعی است که با در نظر گرفتن تمامی جنبه‌ها و تأثیرات، هم فرصت‌ها را به حداکثر برساند و هم آسیب‌پذیری‌ها را به حداقل برساند. این استراتژی باید بر پایه تفکر سیستمی، مشارکت بخش‌های مختلف جامعه، از جمله بخش خصوصی و دانشگاهیان، و استفاده از تجربیات جهانی شکل گیرد تا ضمن حفظ امنیت ملی، رشد و توسعه پایدار در عرصه دیجیتال را تضمین کند.

■ **به نظر شما علل اقتصادی مهاجرت متخصصان و تکنسین‌های دیجیتال چیست و چگونه می‌توان نرخ مهاجرت متخصصان و تکنسین‌های دیجیتال را کاهش داد؟ همچنین تاثیر رشد بسترهای اقتصاد دیجیتال بر توسعه بازار کار و افزایش اشتغال در کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ با توجه به اینکه کشور ایران بدل به «استخر نیروی انسانی توانمند» (مهاجرت متخصصان به منطقه) برای منطقه و جهان شده است، اصلی‌ترین راهبرد کشور برای استفاده از این نیروی متخصص در داخل چه خواهد بود؟**

آینده حوزه اقتصاد دیجیتال به نظر می‌رسد که فرصت‌های بی‌شماری را برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌آورد، و نه به عنوان جایگزین، بلکه به عنوان یک افزودنی مهم به اقتصاد سنتی عمل خواهد کرد. رشد و توسعه این حوزه بستگی به ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی دارد، و به نظر نمی‌رسد که ایران از رقبای منطقه‌ای خود، مخصوصاً با توجه به وجود نیروهای متخصص و با استعداد در کشور عقب بماند. تشخیص ارزش این نیروها و ایجاد زمینه‌هایی برای جلوگیری از مهاجرت آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است.

یکی از چالش‌های کلیدی در این راستا، مقابله با عدم شایسته‌سالاری و سیستم اقتصادی ناکارآمد است، که از عوامل اصلی مهاجرت به شمار می‌روند. علاوه بر این، کاهش ارزش پول ملی نیز موجب بروز چالش‌های اقتصادی شده و بر تصمیم به مهاجرت تأثیر گذار است. حل این مشکلات، هر چند دشوار به نظر برسد، اما با برنامه‌ریزی صحیح و اقدامات مؤثر، قابل حل است. تمرکز بر مبارزه با فساد اقتصادی و حفظ ارزش پول ملی می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند و به نوبه خود، بر روی تصمیم‌های مهاجرتی تأثیر بگذارد.

در نهایت، توسعه اقتصاد دیجیتال در ایران نیازمند یک نگرش جامع و استراتژیک است که نه تنها بر تقویت زیرساخت‌های فناوری و دیجیتال تمرکز دارد، بلکه باید به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی، حمایت از نیروهای متخصص، و ایجاد یک محیط کاری سالم و پویا بپردازد تا از پتانسیل‌های موجود به بهترین شکل ممکن استفاده کند.

■ **به نظر شما چگونه می‌توان از امکانات تکنولوژی‌های دیجیتال در جهت اصلاح ناسامانی سیستم بانکی (مانند عدم شفافیت، فقدان نظارت بر تراکنش‌ها، پول شویی و...) بهره گرفت؟**

استفاده از تکنولوژی دیجیتال در بهبود سیستم بانکی و مالی کشور، به ویژه در زمینه‌هایی مانند شفافیت مالی، ثبت، طبقه‌بندی و نمایش اطلاعات، نقش بسزایی دارد. این فناوری‌ها به عنوان ابزاری تسهیل‌کننده عمل کرده و می‌توانند در افزایش کارایی و دقت سیستم‌های مالیاتی، مدیریت داده‌ها و اطلاعات بانکی، و همچنین ارتقاء سطح شفافیت در تراکنش‌های مالی مؤثر باشند. در صورت نبود فضای دیجیتال، بدون شک سیستم مالی و بانکی کشور با چالش‌ها و کندی بیشتری مواجه می‌شد. فضای دیجیتال نه تنها به عنوان یک زیرساخت اساسی بلکه به عنوان یک عامل کلیدی در تسهیل و بهبود فرآیندهای اقتصادی و مالی عمل می‌کند. این امر نیازمند تدوین و اجرای یک استراتژی مشخص و هدفمند است که بتواند با استفاده بهینه از فناوری‌های دیجیتال، به تقویت و پیشرفت اقتصاد کشور کمک کند.

در این راستا، لازم است برنامه‌ریزی دقیق و انعطاف‌پذیری برای مواجهه با سناریوهای مختلف پیش‌بینی شود تا از هر گونه آسیب احتمالی به این فضای حیاتی جلوگیری به عمل آید. برنامه‌ریزی استراتژیک باید به گونه‌ای باشد که ضمن تسهیل در عملیات مالی و بانکی، از پتانسیل‌های فناوری دیجیتال برای افزایش شفافیت و کارآمدی استفاده کند و به موازات آن، ریسک‌ها و تهدیدهای احتمالی را به حداقل برساند.

■ **با توجه به نظریات اخیر شما در مورد ارز ملی کشور، آیا می‌توان ارز ملی را در فضای رمز ارزها تعریف کرد تا هم اقتصاد کشور شفاف شود و هم تورم کنترل شود؟**

طراحی و اجرای یک رمز ارز ملی که بر پایه طلا استوار باشد، می‌تواند یک گام مهم در جهت ایجاد ثبات اقتصادی و کاهش فشار بر منابع طلای کشور باشد. ایده‌ای که بیان کردید، مبنی بر اینکه هر واحد از این رمز ارز معادل با یک گرم طلای ۱۸ عیار باشد، می‌تواند به عنوان یک رویکرد نواورانه برای جایگزینی پول موجود و ایجاد یک سیستم مالی مستحکم‌تر عمل کند. در عصر حاضر که جهان به سمت دیجیتالیزه شدن حرکت می‌کند، لزوم فکر کردن به چنین ابتکاراتی بیش از پیش احساس می‌شود.

برای پیشبرد این ایده‌ها، ایجاد یک مرکز دیجیتال و هوش مصنوعی، که می‌تواند تحت نظر معاونت رئیس‌جمهور فعالیت کند، ضروری است. این مرکز باید قادر باشد به سرعت پدیده‌های نوظهور جهانی را تحلیل کرده، از فرصت‌ها و تهدیدهای موجود آگاه شود و برنامه‌ریزی‌های متناسب را انجام دهد. این نه تنها به کشور اجازه می‌دهد تا در جریان تحولات جهانی باقی بماند بلکه فرصت‌هایی را نیز برای استفاده بهینه از تکنولوژی‌های نوین و افزایش رقابت‌پذیری در عرصه بین‌المللی فراهم می‌آورد.

این رویکرد نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، مطالعه عمیق، و همکاری بین بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی است تا از پتانسیل‌های رمز ارز ملی به بهترین شکل ممکن استفاده شود و به طور همزمان، ریسک‌ها و چالش‌های مرتبط به دقت مدیریت شوند.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی  
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند  
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی  
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۳۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸  
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵  
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI  
@ASREGANOON  
@ASREGANOON

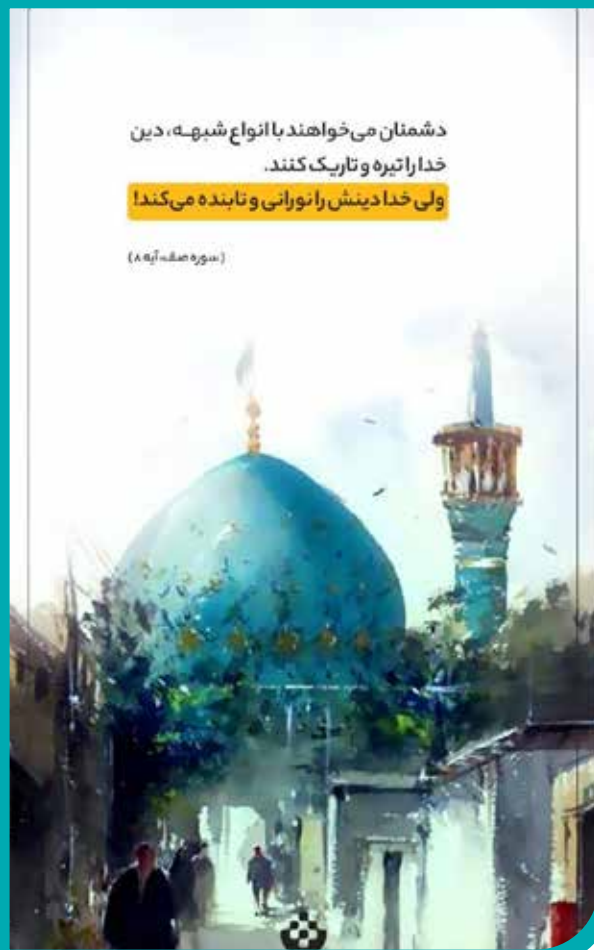


## اقتصاد دیجیتال و آینده اقتصادی ایران

اقتصاد دیجیتال، به عنوان یک تحول پارادایمی، به سرعت در حال شکل‌گیری است و امکان دارد که به همان سرعت، جای خود را به فناوری‌های جدیدتری بدهد.

## شخصیت (اوشین) برای مخاطب امروز جذاب نیست

تغییر و تحولات فرهنگی در چند سال اخیر شتاب داشته است. سریال‌های سال‌های دور با وجود نوستالژی بودن کارگردشان را به نسبت گذشته از دست داده‌اند.



دشمنان می‌خواهند با انواع شبهه، دین خدا را تیره و تاریک کنند.  
ولی خدا دینش را نورانی و تابنده می‌کند!

(سوره صافات آیه ۸)

## ذبح «حقوق بشر» در المپیک پاریس

سید محمد امین آبادی



فرانسه خود را مهد لیبرالیسم و حقوق بشر و پیشرو در این زمینه می‌داند اما این تنها در تئوری است و واقعیت چیز دیگری است. در صحنه عمل، دولتمردان فرانسه در طول سه قرن گذشته هیچ‌گاه در دفاع از حقوق بشر و آزادی‌های بشری صادق نبوده و تا جایی که توانسته‌اند از این ارزش‌ها برای پیشبرد سیاست‌های خود سوءاستفاده کرده‌اند.

همین مدعیان آزادی و حقوق بشر طی ۱۳۲ سال اشغال کشور مسلمان

الجزایر بیش از نیمی از مردم این کشور یعنی پنج و نیم میلیون نفر را به قتل رساندند. از جمله فجیع‌ترین این جنایت‌ها بریدن سر رهبران دینی، فرماندهان مقاومت و شخصیت‌های مبارز و بزرگان الجزایر و فرستادن آن به پاریس بود. در جدیدترین مورد از ذبح لیبرالیسم در فرانسه و تناقض‌های بین حرف و عمل دولت این کشور در دفاع از آزادی و حقوق بشر، دولت ماکرون در این دوره از مسابقات المپیک که میزبان آن است به بهانه ارزش‌های مربوط به «لائسیته» مانع حضور ورزشکاران زن مسلمان فرانسه در مسابقات شده است.

دولت ماکرون مدعی است که ورزشکاران نباید عقاید مذهبی خود را در بازی‌ها بروز بدهند اما همین دولت مراسم افتتاحیه بازی‌ها را رسماً به مراسمی برای ترویج همجنس‌گرایی، شیطان‌پرستی و توهین به ادیان تبدیل کرده بود. متولیان برگزاری مراسم در بازنمایی تابلوی شام آخر «ثئوداردو داوینچی» حواریون حضرت عیسی را با همجنس‌بازها، زن‌پوش‌ها و دیگر رنگ‌های پرچم انحرافات جنسی تعویض کرده و یک زن چاق را بر جای حضرت عیسی (ع) نشانده بودند. این مسئله بازتاب‌های بسیار گسترده‌ای داشت و حتی «خاویر تبا» رئیس لیگ حرفه‌ای اسپانیا موسوم به «لالیگا» با انتشار پستی در شبکه اجتماعی ایکس، نوشت: «غیرقابل قبول، بی‌احترامی محض، بدنامی! استفاده از تصویر شام آخر در بازی‌های المپیک توهین به مقدسات بود. احترام به اعتقادات دینی کجاست؟ به سنت بازی‌های المپیک احترام بگذارید».

«سونکامبا سیلا» دونده مسلمان فرانسوی در صفحه اینستاگرام خود در این زمینه نوشته بود، به علت حجابش نمی‌تواند در مراسم بزرگ افتتاحیه المپیک پاریس شرکت داشته باشد. ورزشکاران محجبه در فرانسه از انجام طیف گسترده‌ای از ورزش‌ها از جمله فوتبال، بسکتبال، جودو، بوکس، والیبال و بدمینتون حتی در سطوح نوجوانان و آماتور هم منع شده و می‌شوند. ممنوعیت‌های حجاب در ورزش فرانسه به شکل فزاینده‌ای در ورزش‌های مختلف اعمال می‌شود و همین امر سبب شده ورزشکاران زن مسلمان مورد تبعیض قرار گرفته، نامرئی شده، طرد و تحقیر شوند.

## چمن آزادی به تختی منتقل می‌شود



ورزشگاه آزادی در دست بازسازی است و امکان برگزاری مسابقات در این ورزشگاه وجود ندارد. در بازدید مسئولان ستاد استانداردسازی ورزشگاه‌ها، مشخص شد که چمن ورزشگاه تختی با وجود زیر کشت رفتن مشکلاتی دارد.

در نهایت تصمیم بر این شد که بخشی از چمن ورزشگاه آزادی از خزانه این استادبوم به ورزشگاه تختی منتقل شود. پیمانکار چمن ورزشگاه آزادی نیز مأموریت آماده‌سازی چمن در ورزشگاه تختی را خواهد داشت.

ورزشگاه تختی زمانی در اختیار استقلال و پرسپولیس قرار می‌گیرد که هزینه اعلام شده از سوی مدیرکل ورزش و جوانان استان تهران واریز شود تا مشکلات چمن و گیت برطرف شده باشد. هر کدام از این تیم‌ها باید ۱۷٫۵ میلیارد تومان پرداخت کنند.

## کنایه سنگین قهرمان المپیک به کیفیت بد آب رود (اسن)



شارون ون راووندا، قهرمان هلندی المپیک ۲۰۱۶ پستی همراه با عکسی در صفحه اجتماعی خود منتشر کرد که گولوم از فیلم ارباب حلقه‌ها را در حال ایستادن تا کمر در آب نشان می‌دهد. ون راووندا در شبکه‌های اجتماعی نوشت: ۹ روز این گونه از آب بیرون می‌آیم!

پیش از این ورزشکاران سه‌گانه در جریان شنای المپیک در رودخانه سن در اثر نوشیدن ناخودآگاه آب مسموم شده بودند.

ورزشکار کانادایی درست در خط پایان در پخش زنده استفراف کرد. اکثرینا شاپالینا قزاقستانی حتی نتوانست به خط پایان برسد و پس از پایان مرحله شنا در نخستین دور مسابقه دوچرخه‌سواری شروع به استفراف کرد.

## روزهای سخت رژیم صهیونیستی در المپیک؛ تماشاچیان سرود ملی اسرائیل را «هو» می‌کنند



رژیم اسرائیل بازیکنان این رژیم را «هو» کردند.

دادستانی پاریس همچنین به دنبال شکایت کمیته برگزاری المپیک و پارالمپیک فرانسه از تماشاگران معترض به حملات رژیم اسرائیل در جریان بازی فوتبال بین اسرائیل و پاراگوئه در مورد آن‌ها تحقیقات قضایی را آغاز کرده است. کمیته سازماندهی المپیک و پارالمپیک فرانسه (COJOP) در مورد این تماشاگران که پرچم فلسطین را هم در دست داشتند با عنوان این که مرتکب «یهودی‌ستیزی» شده‌اند، شکایت کرده است.

روزهای سخت رژیم صهیونیستی در المپیک تنها به «هو» شدن ورزشکارانش ختم نمی‌شود. تاکنون چندین ورزشکار مسلمان از بازی با ورزشکاران رژیم صهیونیستی خودداری کرده‌اند. از سوی دیگر گزارش‌ها حاکی است داده‌های شخصی حساس ورزشکاران صهیونیست حاضر در المپیک پاریس نیز افشا شده است. منابعی در پلیس فرانسه گزارش داده‌اند که پس از افشای این داده‌ها، با اداره مبارزه با جرایم سایبری فرانسه تماس گرفته شد تا این اطلاعات از پلتفرم‌های مربوطه حذف شوند.

رژیم صهیونیستی روزهای سختی را در المپیک سپری می‌کند و روزی نیست که تماشاچیان در بازی‌های تیم‌های این رژیم سرود به اصطلاح ملی و بازیکنان این رژیم را «هو» نکنند. المپیک امسال به میزبانی فرانسه رسماً به محلی برای ترویج همجنس‌بازی، شیطان‌پرستی، توهین به مقدسات دینی و حمایت از منحرفین جنسی تبدیل شده است، این مسئله در جریان افتتاحیه مسابقات به اوج خود رسید و این در حالی است که این کشور حتی اجازه واکنش و اعتراض نسبت به حضور کاروان رژیم صهیونیستی را در این دوره از مسابقات نداد و در مقابل اعلام کرد نیروهای امنیتی فرانسه به طور ۲۴ ساعته امنیت کاروان رژیم صهیونیستی را تأمین خواهند کرد! اما این حمایت‌ها نیز نتوانسته شرایط را برای ورزشکاران این رژیم عادی کند.

خلاصه این که، بازی‌های المپیک امسال به دلیل جنگ بی‌وقفه و کشتار و نسل‌کشی که رژیم صهیونیستی در نوار غزه به‌راه انداخته است، هدف اعتراضات گسترده قرار دارد و در هر مسابقه‌ای که بازیکنی از رژیم صهیونیستی در آن حضور دارد تماشاگران با حضور در سالن برگزاری مسابقه با بلند کردن پرچم فلسطین ورزشکار اسرائیلی را «هو» می‌کنند. روز دوشنبه نیز تماشاگران در جریان بازی تیم‌های فوتبال پاراگوئه و